



صلح افغانستان؛

وزیران خارجه‌ی امریکا و پاکستان تلفنی صحبت کردند

اطلاعات روز: آنتونی بلینکن، وزیر خارجه‌ی ایالات متحده‌ی امریکا با شاه‌محمود قریشی، همتای پاکستانی‌اش تلفنی صحبت کرده است. این تماس تلفنی دو روز پیش...

صفحه ۲

نقش ادبیات در

زمانه‌ی جنگ و صلح (۱)

گفت‌وگو با استاد ابوطالب مظفری، شاعر و نویسنده

صفحه ۷

حملات زنجیره‌ای پر غرب کابل؛

هزاره‌ها در معرض نسل‌کشی قرار دارند؟



صفحه ۸

یادداشت روز

تکریم حکومت از نماد جنایت

هفته گذشته رسانه‌ها گزارش کردند که ملا عبدالمنان نیازی، معاون شاخه‌ی انشعابی گروه طالبان در هرات زخمی شده و با کمک دولت تحت درمان قرار گرفته است. بعداً والی هرات این خبر را تأیید کرد و گفت که او ساعت ۱۱ سه‌شنبه شب ۲۱ ثور ۱۴۰۰ در یکی از ولسوالی‌های جنوبی این ولایت مورد حمله قرار گرفته که خودش از ناحیه سر زخمی شده و سه تن از جنگ‌جویانش کشته شده‌اند.

بعداً او با چرخ‌چال حکومت برای درمان از هرات به کابل منتقل شد. سرانجام وقتی تلاش‌های حکومت برای درمان او در کابل نتیجه نداد، جان باخت. پس از مرگ دوباره با چرخ‌چال حکومت از کابل به هرات منتقل شد و در مراسمی با اشتراک ده‌ها نفر از طرفداران و جنگ‌جویانش زیر پرچم و شعار طالبان در چند کیلومتری شرق هرات در جوار آرامگاه خواجه عبدالله انصاری به خاک سپرده شد و بعداً مراسم فاتحه خوانی او در مسجد جامع بزرگ شهر هرات برپا شد.

ملا عبدالمنان نیازی یکی از اعضای برجسته گروه طالبان بود که...

۲



مجلس نمایندگان:

امریکا و ناتو قبل از خروج نظامیان باید وضعیت امنیتی افغانستان را ارزیابی کنند

۲

همزمان با شدت گرفتن درگیری‌ها بین اسرائیل و حماس، جامعه جهانی خواهان برقراری آتش‌بس شد

اطلاعات روز: با ادامه درگیری و شدت گرفتن حملات میان اسرائیل و گروه‌های حماس و جهاد اسلامی، تلاش‌های بین‌المللی به منظور فشار...

۶

بحران کرونا در هند، برنامه کوواکس را به تعویق انداخت



۶

صلح افغانستان؛ وزیران خارجه‌ی امریکا و پاکستان تلفنی صحبت کردند



۲

آموزش عالی در دوران کرونا؛ از ناکارآمدی سیستم آنلاین تا ناکامی گسترده‌ی دانشجویان

شیوع ویروس کرونا در افغانستان و قرنطینه شدن شهرها ابعاد مختلف زندگی شهروندان این کشور را تحت تأثیر قرار داد که در این میان آموزش عالی در کشور نیز بی‌تأثیر از این همه‌گیری باقی نماند. روزنامه اطلاعات روز برای بررسی تأثیر شیوع کرونا و قرنطینه بر نظام آموزش عالی کشور نتایج آزمون پایان سمستر چند دانشگاه را مرور کرده و به‌عنوان نمونه با دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه کابل گفت‌وگو کرده است. این دانشجویان می‌گویند که دو سمستر تحصیلی را که در دوران قرنطینه و غیرحضوری گذرانده‌اند از لحاظ تحصیلی و دانش‌اندوزی ارتقا نکرده‌اند. این دانشجویان می‌افزایند که به علت مؤثر نبودن آموزش آنلاین و ناکارآمدی سیستم...

۳

زندانی به‌نام تبت؛

وقتی «کنترل» دست چین می‌افتد

قرار معلوم به دلیل شخصیت گوشه‌گیر مردم تبت بود که گفته می‌شود آرزوی همیشگی‌شان این بوده که به حال خودشان گذاشته شوند. با این حال طی سال‌های اخیر انزوا و دورافتادگی تبت را عوامل کاملاً متفاوت بیرونی شکل داده...

۴

لشکرگاه از چهار سو زیر حمله طالبان؛ صدها خانواده هلمندی آواره شده‌اند



هلمند در جنوب کشور این روزها گواه درگیری شدید میان نیروهای دولتی و طالبان است. جنگ‌جویان طالب از چهار سو به لشکرگاه، مرکز این ولایت حمله کرده‌اند و ساحات وسیعی در اطراف شهر به میدان جنگ...

۵

بسته‌های ویژه اینترنتی برای بلاک‌های رهائشی و خانه‌های انفرادی



ادامه‌یادداشت‌روز

هم در زمان حاکمیت این گروه در دهه هفتاد خورشیدی و هم بعد از آن که به‌عنوان معاون شاخه انشعابی گروه طالبان به رهبری ملا محمد رسول فعالیت داشت، مرتکب جنایت بشری، نسل‌کشی، قتل و شکنجه شهروندان افغانستان شده بود.

در سال ۱۳۷۷ خورشیدی که گروه طالبان شهر مزارشریف را تصرف کردند، عبدالمنان نیازی به‌عنوان والی بلخ، هزاران تن از ساکنان غیرنظامی این شهر را کشت. به‌گونه‌ی نمونه او ساکنان هزاره‌تبار محله علی‌چوپان در شرق مزار شریف را قتل‌عام کرد. همچنین او زمانی که به‌عنوان والی هرات کار می‌کرد، شهروندان شیعه‌مذهب این شهر را مورد آزار و اذیت و شکنجه قرار می‌داد و در مواردی آن‌ها را می‌کشت. طبق گزارش‌ها او در بریدن سر ۷ مسافر هزاره در ولایت سرپل در سال ۱۳۹۴ هم دست داشته است. به علاوه این، بعد از سال ۲۰۱۵ زمانی که او به‌عنوان معاون شاخه انشعابی ملارسل تعیین شد، فعالیتش را در غرب افغانستان به‌ویژه هرات متمرکز کرد و تا زمان مرگش به قتل، شکنجه، برگزاری دادگاه صحرایی و شلاق‌زدن شهروندان مشغول بود. او در مصاحبه‌ها و نوارهایی ویدیویی که از او منتشر شده، ضمن این‌که به این جرایم خود اعتراف کرده، هزاره‌ها را بارها تهدید به مرگ کرده و گفته که صدها تن از آن‌ها را به‌گونه‌ی مرموزی می‌کشد.

ملا عبدالمنان نیازی از وقتی با حکومت افغانستان نزدیک شد، علیه شاخه دیگر طالبان که تحت رهبری ملا هبت‌الله فعالیت دارد، جنگ خود را آغاز کرد. با این‌که او پس از افشاشدن مرگ ملا عمر، رهبر این گروه و اتفاقات پس از آن به یک مهره حکومت افغانستان تبدیل شد اما به‌عنوان یک تروریست همچنان به جنایت‌هایش در هرات ادامه داد. بعد از زخمی‌شدن تحت درمان دستگاه حکومت قرار گرفت و تلاش شد تا دوباره به میدان جنگ، خون‌ریزی و جنایت بازگردانده شود. شهروندان افغانستان از حکومت انتظار داشتند که او را پس از زخمی‌شدن صرف برای آماده‌کردنش برای محاکمه، تحت درمان قرار می‌داد اما حکومت با حمایت از دفن امن او در مهم‌ترین نقطه تاریخی شهر هرات و برگزاری مراسم فاتحه‌خوانی‌اش در بزرگ‌ترین مسجد تاریخی این شهر، عملاً به شهروندان افغانستان بی‌حرمتی کرد، خون قربانیان جنایت او را نادیده گرفت و به ارزش‌های انسانی و حقوق بشری پشت پا زد.



دستگاه حکومت با این برخوردش نشان داد که در راستای پیاده‌سازی سیاست‌ها و بازی‌های ناشیانه‌ی استخباراتی‌اش، حقوق بشری و شهروندی مردم افغانستان را به‌خاطر یک گروه تروریستی همدستش قربانی می‌کند. مرگ و تدفین امن ملا عبدالمنان نیازی با پشتوانه حکومت در دل بزرگ‌ترین شهر فرهنگی و باستانی افغانستان، نشان داد که حکومت از میان عدالت، اخلاق و حقوق شهروندان و قربانیان، معامله با یک گروه تروریستی و یک تروریست را ترجیح می‌دهد.

اطلاعات روز: همزمان با خروج نظامیان خارجی از افغانستان، مجلس نمایندگان می‌گوید که امریکا و کشورهای عضو ناتو باید قبل از تکمیل شدن روند خروج، وضعیت امنیتی کشور را ارزیابی دقیق کنند.

در اعلامیه‌ای که دیروز (دوشنبه، ۲۷ ثور) از سوی میرحیدر افضل، رییس کمیسیون امور دفاعی و تمامیت ارضی مجلس نمایندگان در نشست عمومی این مجلس به خوانش گرفته شد، آمده است: «به تصمیم خروج بدون قیدوشرط نیروهای خارجی احترام قابل هستیم و تقاضامندیم که تا قبل از تحقق این امر طبق پیمان امنیتی میان افغانستان و امریکا و کشورهای عضو ناتو، ارزیابی وضعیت امنیتی کشور را روشن کنند.»

آقای افضل افزود که درحالی‌که بر توانایی، شجاعت و فداکاری نیروهای امنیتی و دفاعی کشور در جهت دفاع تهدیدات تردیدی وجود ندارد، اما خروج بدون قیدوشرط نیروهای خارجی با توجه به ظرفیت موجود نظامیان

افغانستان، نگران‌کننده است.

به‌گفته‌ی او، با توجه به شرایط حساس کنونی در افغانستان، جامعه‌ی جهانی باید از نیروهای دفاعی و امنیتی کشور برای مبارزه با تهدیدات تروریسم همکاری همه‌جانبه کنند. آقای افضل گفت که تهدیدات تروریسم در کشور هنوز هم یک چالش برای افغانستان و جامعه‌ی جهانی است.

رییس کمیسیون امور دفاعی و تمامیت ارضی مجلس نمایندگان تأکید کرد که کمک‌های جامعه‌ی جهانی به نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان باید در قسمت تجهیز و آموزش در بخش‌های مختلف از جمله کشف، استخبارات، قابلیت‌های انجام حملات هوایی و حفظ و مراقبت وسایط و تجهیزات جنگی باشد.

همچنان در اعلامیه‌ی این کمیسیون مجلس نمایندگان آمده است که این کمک‌ها باید به‌صورت مستمر و مداوم به نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان صورت گیرد.

صلح افغانستان؛

وزیران خارجه‌ی امریکا و پاکستان تلفظ صحبت کردند

در افغانستان مسئولیت مشترک تمامی طرف‌های افغانی، شرکای منطقوی و بین‌المللی است.

از سوی هم، در اعلامیه‌ی وزارت خارجه‌ی پاکستان آمده است که کاهش خشونت‌ها و برقراری آتش‌بس دایمی در افغانستان نیز از موضوعات مهم گفت‌وگوی دو طرف در این تماس تلفنی بوده است. این درحالی‌است که روند صلح افغانستان از ماه‌ها به این طرف متوقف بوده و پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نداشته است. هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی جمهوری

ادامه‌ی همکاری [پاکستان] هستیم.» در همین حال، شاه‌محمد قریشی، وزیر خارجه‌ی پاکستان در رشته‌توییتی نوشته است که با همتای امریکایی‌اش درباری قربانی‌های پاکستان در راستای مبارزه با تروریسم، پیشرفت در بخش مبارزه با تمویل تروریسم و پول‌شویی و ادامه‌ی این تعهدات صحبت کرده است. آقای قریشی همچنان نوشته است که پاکستان قویا از روند صلح افغانستان حمایت می‌کند. به‌گفته‌ی او، پاکستان باور دارد که رسیدن به یک توافق سیاسی

واکنش والی هرات به تشییع جنازه‌ی ملا نیازی:

ما پشت سر مرده حرف نمی‌زنیم

اطلاعات روز: در پی انتقاد شماری از شهروندان کشور از برگزاری مراسم تشییع جنازه‌ی ملا عبدالمنان نیازی، معاون شاخه انشعابی گروه طالبان به رهبری ملامحمد رسول در شهر هرات، سیدعبدالوحید قتالی، والی این ولایت می‌گوید که دولت مانع دفن هیچ کسی از جمله مخالفان مسلح نمی‌شود.

آقای قتالی دیروز (دوشنبه، ۲۷ ثور) در یک نشست خبری در شهر هرات گفت که حکومت به بستگان افرادی که در صف مقابل دولت قرار دارند، اجازه‌ی دفن و کفن آنان را می‌دهد.

او افزود که برای دفن ملا عبدالمنان نیازی حکومت افغانستان خدمات رایبه نکرده است. والی هرات تأکید کرد: «ما از قدیم گفته‌ایم که معمولاً پشت سر مرده گپ نمی‌زنیم. اگر کسی می‌خواهد مرده‌ی خود را دفن کند، ما ممانعت نمی‌کنیم.»

مراسم تشییع جنازه‌ی معاون شاخه انشعابی گروه طالبان به رهبری ملامحمد رسول دو روز پیش با حضور بیش از صد نفر در گازرگاه شهر هرات برگزار شد. در این

دارند که امریکا به تعهداتش مبنی بر کاهش خشونت‌ها در افغانستان متعهد بماند.

از سوی هم، میرحیدر افضلی از طرف‌های جنگ در کشور خواست که با درنظرداشت منافع ملی و دور از هرگونه تعصبات برای ایجاد توافق صلح سرتاسری در کشور گردهم بیایند و براساس خواست مردم و منافع عالیای کشور به توافق برسند.

این درحالی‌است که روند خروج نیروهای خارجی از افغانستان در اول می رسماً آغاز شده است. طبق برنامه‌ی امریکا و ناتو، قرار است تمامی نیروهای خارجی تا ۱۱ سپتامبر سال جاری از افغانستان خارج شوند.

به‌دنبال آغاز این روند، نیروهای امریکایی کنترل میدان‌هوابی قندهار را در هفته‌ی گذشته به نیروهای افغان واگذار کردند. قبل از آن، دو پایگاه نظامیان امریکایی و یک پایگاه نظامیان آلمانی در ولایت‌های هلمند، بلخ و کابل نیز به نیروهای افغان واگذار شده بود.

اسلامی افغانستان و گروه طالبان پس از وقفه‌ی طولانی، در روز دوم عید فطر دیدار و توافق کردند که مذاکرات را پس از عید از سر بگیرند.

پیش از این، عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی در دیدار با قمر جاوید باجوا، رییس ستاد ارتش پاکستان در کابل گفته بود که گروه طالبان از فرصت به میان‌آمده برای مذاکره‌ی صلح با دولت افغانستان و برقراری صلح، استفاده‌ی درست نکرده است.



نیازی همچنان یکی از منتقدان سیاست کشورهای ایران و پاکستان در قبال افغانستان بود. او بارها رهبری گروه طالبان را نیز به کشتار غیرنظامیان و تأمین منافع کشورهای خارجی متهم کرده بود.

ملا عبدالمنان نیازی در ولایت هرات صدها جنگ‌جو داشت و بارها با جنگ‌جویان گروه طالبان به رهبری ملا هبت‌الله آخندزاده به درگیری نظامی پرداخته بود.

طبق برخی از گزارش‌ها، ملا نیازی در سال‌های اخیر از سوی امنیت ملی برای تضعیف قدرت طالبان در هرات حمایت می‌شده است.

تا کنون فرد با گروهی مسئولیت این رویداد را بر عهده نگرفته است.

ملا عبدالمنان نیازی، معاون شاخه‌ی انشعابی گروه طالبان به رهبری ملا محمد رسول و یکی از مخالفان شدید تحریک طالبان به رهبری ملا هبت‌الله آخوندزاده بود. بارها میان هواداران نیازی و طالبان به رهبری ملا هبت‌الله درگیری‌های خونین رخ داده است.

ملا عبدالمنان نیازی در دوران حاکمیت گروه طالبان به عنوان والی در بلخ نیز کار کرده است. او به کشتار «هزاره‌ها» در این ولایت متهم بود.

ادامه‌ی اعتراض‌های مردم فاریاب؛

محمد داوود لغمانی در مقر لوای ارتش به‌عنوان والی معرفی شد

در سوم ثور اداره مستقل ارگان‌های محلی اعلام کرد که محمد داوود براساس پیشنهاد این اداره و منظوری رییس‌جمهور غنی به‌حیث والی جدید ولایت فاریاب تعیین شده است.

تعیین محمد داوود به‌جای نقیب‌الله فایق، والی پیشین فاریاب با موجی از واکنش‌ها در ولایت‌های شمال کشور از جمله فاریاب مواجه شد. حزب جنبش ملی اسلامی نیز با این انتصاب مخالفت کرد.

مارشال عبدالرشید دوستم، رهبر حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان و معاون اول پیشین ریاست‌جمهوری اند، با معرفی محمد داوود لغمانی به‌عنوان والی فاریاب مخالفت کرده‌اند.

معترضان استدلال می‌کنند که آقای لغمانی با جغرافیای ولایت فاریاب آشنایی ندارد و نمی‌تواند به بهبود وضعیت امنیتی این ولایت کمک کند. این معترضان همچنان قبلاً خواستار انتخابی‌شدن مسئولان ادارات محلی شده بودند.

ولایت فاریاب، به‌حیث والی جدید فاریاب معرفی و به کارش آغاز کرده است.

با این حال، منبعی که نخواست نامش در خبر ذکر شود، در صحبت با روزنامه اطلاعات روز گفت که معترضان در داخل صحن ولایت خیمه برپا کرده و دروازه‌ی ولایت را نیز بسته کرده‌اند.

منبع در عین حال گفت که تمامی جاده‌های منتهی به مقام ولایت فاریاب نیز از سوی معترضان مسدود شده است. این معترضان که اکثریت‌شان هواداران

اطلاعات روز: یک منبع معتبر تأیید می‌کند که محمد داوود لغمانی از سوی مسئولان دولتی دیروز (دوشنبه، ۲۷ ثور) در مقر لوای اول قول اردوی ۲۰۹ شاهین در حومه‌ی شهر میمنه به‌عنوان والی فاریاب معرفی شده است.

نرگس مومند، سخن‌گوی اداره مستقل ارگان‌های محلی نیز در توییتی تأیید کرده است که آقای لغمانی صبح دیروز با حضور صبغت‌الله غزنوی، معین شهرداری‌های این اداره، مقام‌های نظامی و غیرنظامی و رییس شورای

آموزش عالی در دوران کرونا؛ از ناکارآمدی سیستم آنلاین تا ناکامی گسترده‌ی دانشجویان

عصمت‌الله سروش و عابر شایگان

شیوع ویروس کرونا در افغانستان و قرنطینه‌شدن شهرها ابعاد مختلف زندگی شهروندان این کشور را تحت تأثیر قرار داد که در این میان آموزش عالی در کشور نیز بی‌تأثیر از این همه‌گیری باقی نماند. روزنامه اطلاعات روز برای بررسی تأثیر شیوع کرونا و قرنطینه بر نظام آموزش عالی کشور نتایج آزمون پایان سمستر چند دانشگاه را مرور کرده و به‌عنوان نمونه با دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه کابل گفت‌وگو کرده است. این دانشجویان می‌گویند که دو سمستر تحصیلی را که در دوران قرنطینه و غیرحضور گذرانده‌اند از لحاظ تحصیلی و دانش‌اندوزی ارتقا نکرده‌اند. این دانشجویان می‌افزایند که به علت مؤثر نبودن آموزش آنلاین و ناکارآمدی سیستم ایجادشده از سوی وزارت تحصیلات عالی، بی‌ظمی و بی‌برنامگی دانشکده‌ها و استادان و دسترسی‌نداشتن دانشجویان به انترنت، چیزی نیاموخته و در آزمون‌ها هم بیشتر آنان ناکام مانده و یا نتیجه‌ی قابل قبولی به‌دست نیاورده‌اند.

پس از گسترش ویروس کرونا در افغانستان، حکومت این کشور در ۲۴ حوت ۱۳۹۸ تمامی مراکز آموزشی (مکاتب، دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها) را تا یک ماه تعطیل اعلام کرد. پس از ختم دوره‌ی یک‌ماهه، وزارت تحصیلات عالی تعطیلی دانشگاه‌ها را تا ۲۰ روز دیگر تمدید کرد. پس از آن نیز تعطیلی دانشگاه‌ها تا نزدیکی امتحانات پایان سمستر بهاری ادامه یافت. بعد از چند هفته ادامه داد و پس از آن امتحانات پایان سمستر را برگزار کردند. با شروع سمستر خزان، چند هفته از شروع دانشگاه‌ها و درس‌های حضوری نگذشته بود که موج دوم کرونا از راه رسید و مراکز آموزشی به‌شمول دانشگاه‌ها دوباره تا سه ماه دیگر تعطیل شد. در نهایت دانشگاه‌ها درس‌های حضوری را به‌صورت تشدید از ۱۵ حوت از سر گرفتند. یعنی حدود یک سال آموزش درس‌ها در دانشگاه‌های دولتی و خصوصی بیشتر به‌شکل آنلاین ادامه یافت و دانشجویان دو سمستر را در دوره‌ی شیوع کرونا گذرانند.

افزایش شیوع کرونا در افغانستان دروازه‌های حدود ۱۷۰ دانشگاه دولتی و خصوصی را در جریان یک سال در دو دوره برای ماه‌ها بست تا این که وزارت تحصیلات عالی در ماه حوت ۱۳۹۹ اعلام کرد که ادامه‌ی درس‌های حضوری به‌صورت تشدید از ۱۵ حوت تا ۱۴ حمل ۱۴۰۰ ادامه یافت و پس از آن آزمون نهایی سمستر از ۱۵ حمل سال ۱۴۰۰ تا هفتم ثور برگزار شد.

با آغاز سال تحصیلی ۱۳۹۹، وزارت تحصیلات عالی کشور در روزهای نخست ماه حمل اعلام کرد که درس‌های غیرحضور دانشگاه‌ها آغاز شده و دانشجویان می‌توانند از طریق انترنت و شبکه‌های اجتماعی چون مستجر فیسبوک، واتساپ، زوم و دیگر شبکه‌های اجتماعی درس‌هایشان را به‌صورت آنلاین تعقیب کنند. بعد در تاریخ ۱۷ ثور ۱۳۹۹ «سیستم مدیریت آموزش تحصیلات عالی» (HELMS) که از طرف استادان دانشگاه کابل و پولی تخنیک طراحی و تهیه شده بود، طی یک نشست ویدیویی از سوی اشرف غنی، رئیس‌جمهور افغانستان افتتاح شد. عبدالتواب بالاکرزی، معین علمی و سرپرست وزارت تحصیلات عالی افغانستان در مراسم افتتاح این سیستم گفت که با تطبیق سیستم آموزش آنلاین، تهداب آموزش الکترونیکی در نظام تحصیلات عالی افغانستان رسماً گذاشته شد. آقای بالاکرزی افزود محتوای آموزشی توسط این سیستم میان دانشگاه‌ها شریک ساخته می‌شود، نظارت و ارزیابی از سیستم خیلی ساده و دقیق صورت می‌گیرد و برای هر استاد و دانشجو آیدی‌های مشخص مدنظر گرفته شده است. همچنان وزارت تحصیلات عالی گفت که تا تاریخ ۱۷ ثور ۳۸ دانشگاه دولتی و ۱۱ دانشگاه خصوصی و در مجموع ۱۴۷ هزار و ۵۸۹ دانشجو به این سیستم وصل شده‌اند.

دانشگاه کابل به‌عنوان دانشگاه مادر مهم‌ترین دانشگاه افغانستان است. روزنامه اطلاعات روز تأثیر شیوع کرونا بر آموزش عالی افغانستان و نتایج درس‌های غیرحضور را در دانشگاه کابل بررسی کرده است. در این گزارش با حدود ۳۰ تن از دانشجویان دانشگاه کابل از دانشکده‌های مختلف مصاحبه شده است که آنان از آموزش آنلاین در دوره شیوع کرونا راضی نیستند. مصاحبه با این دانشجویان در روز اخیر آزمون‌های پایان سمستر انجام شده و این دانشجویان می‌گویند که به‌دلیل تأثیر شیوع کرونا و قرنطینه بر آموزش عالی، نتایج آزمون پایان سمستر بیشتر دانشجویان قناعت‌بخش نیست.

اطلاعات روز ضمن مصاحبه با دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه کابل با دو دانشجوی افغانستانی در دانشگاه‌های هندوستان نیز گفت‌وگو کرده است. هرچند آن‌ها نیز از کیفیت آموزش آنلاین در جریان شیوع کرونا و قرنطینه نسبت به کیفیت آموزش حضوری راضی نیستند، اما تجربه‌ی آنان نشان می‌دهد که وضعیت آموزش آنلاین در آن کشور به مراتب بهتر از افغانستان بوده است.

وزارت تحصیلات عالی افغانستان می‌گوید که چون افغانستان قبل از این تجربه‌ی ارائه خدمات آموزش غیرحضور یا آنلاین



را نداشت، در جریان موج اول کرونا آموزش غیرحضور توسط دانشگاه‌ها با چالش‌هایی همراه بود که در جریان موج دوم شیوع این ویروس در کشور کاستی‌ها برطرف شد. حامد عبیدی، سخن‌گوی این وزارت در صحبت با اطلاعات روز می‌گوید که کاستی‌های چون نبود برق و انترنت و ناآشنایی با سیستم HELMS وجود داشت، اما در کل در جریان این همه‌گیری بنیاد خوبی برای ارائه خدمات آموزشی به‌صورت آنلاین در کشور گذاشته شد و اکنون بسیاری از دانشگاه‌های دولتی و خصوصی افغانستان توانایی ارائه خدمات آموزشی آنلاین را دارند.

سیستم آنلاین وزارت تحصیلات عالی

وزارت تحصیلات عالی در ماه دوم شروع سال تحصیلی ۱۳۹۹ اعلام کرد که سیستم مدیریت آموزش تحصیلات عالی یا HELMS ایجاد شده و دانشجویان می‌توانند از طریق این سیستم درس‌هایشان را ادامه دهند. در این سیستم مشخصات دانشگاه‌ها با تفکیک دانشکده و دپارتمنت، صنف‌ها، مضامین درسی، مشخصات استادان و دانشجویان با تفکیک هر صنف ثبت می‌شود. سیستم برای یک صنف درسی شبیه این می‌ماند که استادی برای صنفی یک گروه واتساپ یا تلگرام ایجاد کند، بعداً تمامی دانشجویان را در آن اضافه کرده و درس و مواد درسی را با آن‌ها شریک کند. تفاوت عمده این سیستم با شبکه‌های اجتماعی در این است که مدیریت این سیستم نزد وزارت تحصیلات عالی است و این وزارت می‌تواند از هر صنف نظارت کند.

دانشجویان دانشگاه کابل که اطلاعات روز با آن‌ها مصاحبه کرده، از ناکارآمدی سیستم HELMS شکایت دارند و می‌گویند استادان به‌ندرت از این سیستم برای پیش‌برد درس‌های غیرحضور استفاده می‌کردند، چون نه استادان چگونگی استفاده از سیستم را می‌دانستند و نه بیشتر دانشجویان. به‌گفته‌ی آن‌ها، شمار اندک استادانی که درس‌ها را به‌صورت آنلاین ارائه می‌کردند، بیشتر از دیگر شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کردند تا سیستم ایجادشده از سوی وزارت تحصیلات عالی.

اجمل، دانشجوی دانشکده علوم اجتماعی می‌گوید سیستم ایجادشده از سوی وزارت تحصیلات عالی برای ارائه آموزش آنلاین در دانشگاه‌ها بی‌نتیجه بود: «سیستم HELMS در موج اول شیوع کرونا بی‌نتیجه بود. در سمستر دوم دوباره سعی کردند که این سیستم را فعال کنند، اما باز هم آنچنان که باید نتیجه نداد. بعضی استادان دانشکده علوم اجتماعی از واتساپ استفاده می‌کردند که نسبت به آن سیستم، بهتر بود.»

پنج تن از دانشجویان دانشکده فارمسی که اطلاعات روز با آن‌ها صحبت کرده، نیز از سیستم مدیریت آموزش تحصیلات عالی راضی نیستند و می‌گویند که در جریان دو سمستری که در دوره‌ی کرونا گذرانده‌اند، از این سیستم استفاده‌ی چندانی نتوانسته‌اند. یکی از دانشجویان که نمی‌خواهد نامش در گزارش ذکر شود، می‌گوید: «سیستم آنلاین وزارت تحصیلات عالی هیچ استفاده‌ی نداشت. بسیاری از دانشجویانی که از ولایت‌های دیگر و مناطق دورافتاده بودند هیچ گونه دسترسی به انترنت نداشتند. برخی‌ها اگر به انترنت دسترسی داشتند، برق نداشتند. اگر به برق دسترسی داشتند، هزینه‌ی پرداخت انترنت را نداشتند، یا اصلاً کمپیوتر و موبایل هوشمند نداشتند که از آن استفاده می‌کردند.»

سه تن از دانشجویان سال سوم دانشکده بیولوژی می‌گویند که در سمستر گذشته از هفت مضمونی که آنان می‌خواندند تنها دو استاد از طریق واتساپ و تلگرام درس می‌دادند. با شروع درس‌های حضوری به‌شکل تشدید، استادان درس‌ها را از همان‌جا آغاز کردند که در جریان آموزش آنلاین به شکل «نیمه و نصفه» تدریس کرده بودند: «استادانی که آنلاین درس می‌دادند از واتساپ استفاده می‌کردند و چند

تا سلاید درست کرده بودند و در گروه می‌گذاشتند. تمام سیستم آنلاین به ضبط صدای چند استاد مختص شده بود که در گروه واتساپ یا تلگرام برای ما می‌فرستادند. وقتی درس‌های حضوری شروع شد گفتند که شما را درس داده‌ایم و دیگر درس ندادند. سیستم آنلاین وزارت تحصیلات عالی هیچ نتیجه‌ی نداشت. فقط چند نفر محدود از همصنفان ما وارد سیستم شدند و اکثریت ما حتا وارد سیستم شده نتوانستیم. مشکلات زیادی داشت و اسم‌ها و مشخصات دانشجویان درست وارد سیستم نشده بود.»

صابره سعیدی، دانشجوی سال چهارم دانشکده ژورنالیزم می‌گوید که سیستم آنلاین وزارت تحصیلات عالی بی‌نتیجه بود و بیشتر دانشجویان با سیستم آشنایی نداشتند. به‌گفته‌ی خانم سعیدی نبود برق، عدم دسترسی به انترنت و سهل‌انگاری استادان از چالش‌های اساسی درس‌های آنلاین بود. ۱۲ تن از دانشجویان دانشکده کیمیا می‌گویند که آنان از سیستم آنلاین وزارت تحصیلات عالی استفاده نتوانستند و هیچ یک از استادان مواد درسی را در این سیستم بارگذاری نکردند: «از هشت مضمونی که داشتیم هیچ استادی از طریق سیستم آنلاین وزارت تحصیلات عالی برای ما درس ندادند.» به‌گفته‌ی آنان، برخی استادان از طریق شبکه‌های اجتماعی تنها به اشتراک‌گذاری فایل PDF برخی کتاب‌ها و منابع بسنده کردند.

محمدسهیل، دانشجوی کمپیوتر ساینس می‌گوید که هرچند دانشجویان این دانشکده نسبت به دیگران چگونگی استفاده از سیستم آنلاین را بیشتر می‌دانستند، با آن هم حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد همصنفان وی نتوانستند از این سیستم استفاده کنند: «طراحی اپ مشکل داشت و استادان نیز مایل نبودند از آن استفاده کنند.»

درس‌های تشدید

وزارت تحصیلات عالی کشور برای جبران مشکلات سیستم آموزش آنلاین و عدم دسترسی دانشجویان به آن، طرحی را به کابینه‌ی حکومت ارائه کرد که براساس آن تمام دانشگاه‌های دولتی و خصوصی مکلف به برگزاری صنف‌های حضوری تشدید برای دانشجویان شدند. برپایه‌ی این طرح، دانشگاه‌های مناطق سرد کشور درس‌های تشدید را باید در مدت ۸ تا ۱۰ هفته و دانشگاه‌های مناطق گرم در مدت چهار هفته برگزار می‌کردند.

آن شمار از دانشجویان دانشگاه کابل که با اطلاعات روز گفت‌وگو کرده‌اند می‌گویند که برنامه‌ی درس‌های تشدید قاعده‌مند و منظم نبود و اکثر استادان به‌گونه‌ی سلیقه‌ای با آن برخورد می‌کردند. سه دانشجوی دانشکده بیولوژی می‌گویند وقتی درس‌هایشان به‌گونه‌ی حضوری شروع شد استادان‌شان درس‌هایی را که قبلاً نیمه‌و نصفه به‌گونه‌ی آنلاین درس داده بودند از همان قسمت درس‌ها را دوباره آغاز کردند و مشکلات دانشجویان را در نظر نگرفتند.

۱۲ دانشجوی دانشکده کیمیا می‌گویند که دوران درس‌های حضوری تشدید فقط به رفت‌وآمد گذشت و هیچ برنامه‌ی درسی‌شان به‌طور منظم و موثر بی‌گیری و تطبیق نشد: «ما از لحاظ تحصیلی داریم سال دوم را تمام می‌کنیم و از لحاظ درس و یادگیری تنها یک سال درس خوانده‌ایم.»

صابره سعیدی، دانشجوی دانشکده ژورنالیزم می‌گوید که دو سمستری را که در جریان کرونا و به‌طور تشدید خوانده‌اند، نه استادان برنامه‌ی درسی خود را توانسته‌اند تطبیق کنند و نه دانشجویان چیزی فرا گرفته‌اند.

اجمیر سادات، دانشجوی سال دوم دانشکده علوم اجتماعی می‌گوید بعد از رفع قرنطینه ۸ هفته به‌گونه‌ی تشدید درس خوانده‌اند اما چیزی از آن نیاموخته‌اند. به باور او بزرگ‌ترین مشکل این طرح، عدم پابندی استادان و دانشجویان بوده است.

نتایج بد آزمون‌های پایان سمستر

با اعلام نتایج آزمون پایان سمستر دانشکده‌های دانشگاه کابل و برخی دیگر از دانشکده‌های دولتی در کابل، شکایت از نمره‌ها در شبکه‌های اجتماعی بالا گرفت و بسیاری از دانشجویان جدول نتایج که نشان می‌دهد حدود نصف دانشجویان یک صنف نتوانسته‌اند نمره‌های کامیابی را بگیرند، به اشتراک گذاشتند. اطلاعات روز ده‌ها جدول نتایج آزمون‌های پایان سمستر دانشکده‌های مختلف دانشگاه کابل را دیده که نشان می‌دهد در شماری از مضامین حدود نصف دانشجویان نمره کامیابی را نگرفته‌اند. دانشجویان می‌گویند که نتایج آزمون‌های سمسترهای در دوران شیوع کرونا گذشته بسیار بدتر از سمسترهای گذشته بوده که نشان می‌دهد دانشجویان نتوانسته در این دو سمستر به‌صورت درست آموزش ببینند.

از میان ده‌ها نمونه، نتایج یک مضمون در دانشکده کیمیا دانشگاه کابل نشان می‌دهد در یک صنف ۶۰ نفری، بیش از نصف دانشجویان (۳۱ دانشجو) نتوانسته‌اند نمره کامیابی بگیرند. جدول‌های نتایج یک مضمون در دانشکده شرعیات نشان می‌دهد که در یک صنف ۴۰ نفری ۱۷ تن ناکام مانده‌اند و ۱۳ تن بین ۵۵ تا ۵۸ نمره گرفته‌اند. در سیستم

کریدیت ۵۵ پایین‌ترین نمره کامیابی است.

همچنان نتایج یک مضمون در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه کابل نشان می‌دهد که در یک صنف ۳۳ نفری، ۱۵ دانشجو ناکام مانده‌اند. یا مثلاً صفحه دوم جدول نتایج یک مضمون در دانشکده زراعت دانشگاه کابل نشان می‌دهد که از میان ۳۲ دانشجو تنها پنج دانشجو کامیاب شده‌اند. جدول نتایج یک مضمون در دانشکده بیولوژی معدن دانشگاه پلی‌تخنیک نشان می‌دهد که از میان ۴۵ دانشجو، تنها هفت دانشجو نتوانسته‌اند کامیاب شوند، بقیه ۳۸ دانشجو ناکام مانده‌اند. نتایج امتحان یک مضمون در انستیتوت تکنالوژی معلوماتی و مخابراتی نشان می‌دهد که از میان ۳۹ دانشجو ۱۹ تن آنان نتوانسته‌اند نمره کامیابی بگیرند.

اجمل سادات می‌گوید که نتایج آزمون‌ها قناعت‌بخش نیست و به‌عنوان نمونه در یک صنفی که ۶۰ دانشجو حضور دارند، ۲۵ تا ۳۰ دانشجو ناکام مانده‌اند: «از همین دو سمستری که در دوران کرونا گذشت، چیزی نیاموختیم.» سه تن از دانشجویان دانشکده بیولوژی می‌گویند در دانشکده آن‌ها در مضامینی در یک صنف صد نفری، حدود ۱۷ کامیاب شده‌اند و این افراد نیز فقط نتوانسته‌اند نمره کامیابی (۵۵) را بگیرند: «اگر مشکل از دانشجویان می‌بود ۱۰ تا ۲۰ درصد ناکام می‌ماندند. ولی وقتی اکثریت صنف ناکام می‌مانند، معلوم‌دار است که سیستم مشکل دارد.

وضعیت امتحانات اف‌تضح است.»

دانشجویان دانشکده کیمیا می‌گویند که در این دانشکده در

صنف‌های ۱۱۰ نفری، دو سوم دانشجویان ناکام مانده‌اند.

این دانشجویان نتایج بد آزمون‌ها را ناشی از وضعیتی می‌دانند که شیوع کرونا و قرنطینه به‌وجود آورد و آن‌ها در جریان آموزش آنلاین و درس‌های تشدید نتوانستند

چیزی بیاموزند.

اکنون نگرانی دانشجویان این است که اگر گسترش ویروس کرونا در افغانستان منجر به بسته‌شدن دوباره دروازه‌های دانشگاه‌ها شود، آیا وزارت تحصیلات عالی و مدیریت دانشگاه‌ها راه‌حل کارآمدتری برای ادامه تحصیلات آنان دارند که تجربه‌ی دو سمستر گذشته تکرار نشود.

وزارت تحصیلات عالی در این ارتباط می‌گوید که تطبیق واکسین در نهادهای تحصیلات را آغاز کرده و امیدوار است که این امر از مسدودشدن دوباره دروازه‌های دانشگاه‌ها جلوگیری کند. سخن‌گوی این وزارت می‌افزاید که اگر تهدیدات گسترش ویروس کرونا افزایش یابد و منجر به بسته‌شدن نهادهای تحصیلات عالی شود، این وزارت مجبور است که از طریق سیستم آنلاین خدمات آموزشی را ارائه کند. به‌گفته‌ی وی، پس از تجربه‌ی دو سمستر، اکنون نهادهای تحصیلات عالی می‌توانند بهتر از گذشته برنامه‌های آموزشی آنلاین را تطبیق کنند.

یادداشت: «این گزارش با حمایت مالی اتحادیه اروپا تولید شده است. محتوای آن صرف به عهده «اطلاعات روز» بوده و منعکس‌کننده‌ی نظر اتحادیه اروپا نیست.»



زندانی به نام تبت؛ وقتی «کنترل» دست چین می‌افتد



تبتی دیگر عمل می‌کند و دارای بروکراسی پیچیده شبه‌دولتی است، مستقر شده‌اند. در این کتاب که روایت‌های شخصیت‌های قابل توجه تبت را در خود گنجانده، دو شخصیت برجسته‌ترند و هر دو سر از درمسالا درآورده‌اند. شخصیت اولی زنی به نام «گونپو» است. گونپو دختر پادشاه سابق تبت است که طی جنگ ایدنولوژیک و آشوب سیاسی برخاسته از «انقلاب فرهنگی» دهه ۱۹۶۰ به تدریج با بیجینگ دچار مشکل شد. پادشاه سرانجام در برابر تلاش‌های چین برای تحکیم کنترل بیجینگ بر سراسر سیچوان غربی تسلیم شد، اما پس از ناپدید شدن مشکوک همسرش، دچار ناراحتی روانی شد و در نهایت با پریدن از روی پل خودکشی کرد.

گونپو که در آن‌زمان دختر دبیرستانی بیش نبود، تبعید خودخواسته‌ی داخلی اختیار کرد و روانه سین‌کیانگ شد. در آنجا شاهزاده سابق تبت برای گذران زندگی گاو می‌دوشید و در مزرعه کار می‌کرد. او سرانجام با مردی از قوم هان آشنا شد و ازدواج کرد و چند سال برای کار با حکومت در شهر «نانجینگ» در شرق چین رفت و برای کارهایش تحسین و تشویق شد.

در سال ۱۹۸۸، میل به مرور فرهنگ و تاریخ تبت باعث شد تا گونپو به همراه دختر خردسال خود طی سفری زیارتی به درمسالا برود و برای دوره موقتی دور از شوهرش باشد (یا دست‌کم او در آن‌زمان این طور فکر می‌کرد). وقتی گونپو در هند بود، حزب کمونیست چین سرکوب خونینی را علیه تظاهرات‌کنندگان طرفدار دموکراسی در میدان «تیان آن من» در بیجینگ سازمان داد که منجر به تغییرات ناگهانی اوضاع سیاسی در چین شد. ناگهان، کشوری که یک دهه گذشته خود را صرف بازشدن به روی دنیا کرده بود، درون‌گراتر از گذشته شد و با افرادی که با جهان بیرون رابطه داشتند،

می‌بارید به من امکان می‌داد که یک چتر هم با خود داشته باشم تا بیشتر از نظرها پنهان بمانم. این پوشش دمیک را کمک کرد که از موانع و تله‌های مقامات چینی برای جلوگیری از ورود گزارش‌گران خارجی به تبت، عبور کند. بسیاری از روزنامه‌نگاران، تسلط به زبان چینی را پیش‌شرط اطلاع‌رسانی موفق از چین می‌دانند، اما دمیک تسلط محدود خود به زبان چینی را به نفع خود استفاده کرد و اغلب هنگامی که مأموران پولیس موتر حامل وی را متوقف می‌کردند، سکوت می‌کرد یا گنج و ندانم‌بازی درمی‌آورد.

وضعیت ناگوار امروزه نگاہی تحت سلطه بیجینگ و سابقه طولانی درگیری مردم این منطقه با مقامات مارکسیست-لنینیست چینی، نگاہ را در مرکز روایت دمیک قرار داده است. او می‌نویسد که نگاہا شهری با یک چراغ ترافیکی است که به «پایتخت جهانی خودسوزی» تبدیل شد. با این حال بیشتر افرادی که دمیک در کتاب خود با آن‌ها مصاحبه کرده، نگاہا را قبلاً ترک کرده‌اند. برخی از آن‌ها به مناطقی از سیچوان که حضور پولیس در آن کمتر است، رفته‌اند. برخی دیگر راه تبعید خودخواسته را در پیش گرفته و اکثراً در شهر «درمسالی» شمال هند که به‌عنوان نوعی پایتخت دولت در تبعید تبت و میزبان دلایی لاما و هزاران

و شواهد به‌دست‌آمده درباره‌ی اردوگاه‌های بازآموزی و کار اجباری حزب کمونیست در سین‌کیانگ برای مطیع کردن جمعیت اویغور مسلمان این منطقه، در سرخط اخبار جهان قرار دارد.

مرد سوزان

مدت‌ها پس از فرونشستن دود اعتراضات سال ۲۰۰۸ در تبت و سیچوان، دمیک سه عملیات خبرنگاری خاص خود را در «نگاہا» سازمان داد. نگاہا یکی از شهرستان‌های سیچوان است که به‌طور سنتی تحت تسلط مردم تبت قرار داشته اما اکنون شاهد حضور سنگین و فراگیر بیجینگ در قامت نیروی پولیس در خیابان‌ها و پادگان‌های ارتش در شهرها است. دمیک در این عملیات‌ها برای جلوگیری از جلب توجه عمداً ظاهر یک خبرنگار باتجربه را کنار گذاشت و همچون مسافران غربی وارد میدان کار روزنامه‌نگاری شد. او می‌نویسد: «نمی‌خواستیم مانند کاوش‌گران قرن نوزدهمی که به تبت سفر می‌کردند، لباس مسخره میدل بیپوشم. به جای کلاه نرم تزئین‌شده با پولکا به سر کردم و یکی از آن ماسک‌های ضدآلودگی هوا را که در آسیا رایج است خریدم. کت‌های بلند و پرخاک و کفش‌های بنددار بدون پاشنه می‌پوشیدم. این واقعیت که باران مداوم

دست به اعتراض و تحسن بزنند. برخی دیگر، در آنچه که آن‌را شاید بتوان شدیدترین نوع اعتراض غیرخشونت‌آمیز خواند، اقدام به خودسوزی کردند و در میدان‌های شهرها خودشان را آتش زدند.

در آن‌زمان من روزنامه‌نگار نیویورک تایمز در چین بودم. با گسترش شورش در تبت، من به‌عنوان روزنامه‌نگار تمام توانم را برای رسیدن به «لهاسا»، پایتخت تبت، جایی که ناآرامی‌ها از آن آغاز شده بود، به‌کار بستم. من نخست به «چنگدو»، مرکز پرجنب‌وجوش استان سیچوان پرواز کردم و از چنگدو موتری را به سمت مناطق شمال‌غربی تبت گرایه کردم. از روی گزارش‌های سایر همکارانم می‌دانستم که سفری که در پیش دارم آسان نخواهد بود. پولیس چین در امتداد بزرگراه‌های اصلی منتهی به سرزمین تبت ایست‌های بازرسی ایجاد کرده بود و گزارش‌گران خارجی را پس برمی‌گرداند. من با همکار چینی‌ام یک شب تمام را با موتر منزل زدیم. وقتی موتر از موانع پولیس عبور می‌کرد، من در صندلی عقب دست و پایم را به پهانه سرما جمع می‌کردم، صورتم را می‌پوشاندم و خودم را به خواب می‌زدم.

اما خیلی زود معلوم شد که بازگشت من و همکارم حتمی است. پس از آن‌که از بزرگراه به سمت جاده‌های فرعی کوهستانی منحرف شدیم، متوجه شدیم که پیمودن چنین مسیریایی را ما را بیش از حد طولانی می‌کند. سرانجام پس از اطلاع از این‌که مقامات چند خبرنگار خارجی دیگر را که سعی در عبور از کمر بند پولیس چین داشتند، بازداشت کرده‌اند، پس برگشتم. برای ما تا آن‌زمان واضح شده بود که رسیدن به هر جایی در تبت که در آن اعتراضات و خودسوزی‌ها اتفاق می‌افتاد، دشوار و حتا ناممکن است. خارج از تبت من توانستم گزارش‌های زیادی را از ناراضی‌ت و انزجار مردم تبت در برابر حکومت چین جمع‌آوری کنم. اما این واقعیت را که بیجینگ موفق شده بود افرادی همچون من را از خط مقدم اعتراضات دور نگه دارد، نمی‌توانستم انکار کنم.

وقتی کتاب تازه «باربارا دمیک» تحت عنوان «بودا را بخور: زندگی و مرگ در شهری در تبت» را خواندم، خاطرات آن دوره و تلاش‌هایم برای رسیدن به تبت دوباره زنده شد (عنوان کتاب باربارا دمیک اشاره به دوره‌ای است که در آن نیروهای ارتش سرخ در تبت در جریان جنگ داخلی گاهی از فرط گرسنگی صومعه‌های بودایی را غارت می‌کردند و مجسمه‌های ساخته‌شده از آرد و کره را می‌خوردند). دمیک بیش از هر روزنامه‌نگار غیرچینی دیگر این نسل توانسته است که موانع بیجینگ را دور زده و به قلمرو تبت نفوذ کند، در آن‌جا ماندگار شود و روایت مردم تبت را به‌صورت واضح و سراسر روی صفحه‌ی تاریخ پیاده کند. راستش دمیک انجام چنین شاهکارهایی را کسب خود قرار داده است؛ یکی از این شاهکارها کتاب سال ۲۰۰۹ او تحت عنوان «افسوس نمی‌خوریم» است که یکی از عمیق‌ترین گزارش‌های تهیه‌شده درباره‌ی زندگی عادی مردم کوریای شمالی (کشوری که دروازه آن برای خارجی‌ها بسته‌تر و محافظت‌شده‌تر از دروازه تبت است) به‌شمار می‌آید.

کتاب دمیک به اندازه گزارش‌های او عمیق و الهام‌بخش است، اما پیام اصلی این کتاب، خواننده را بی‌سروصدا دل‌سرد می‌کند. دمیک در کتاب خود این پیام را منتقل می‌کند که به‌دلیل وسعت، ثروت و قدرت چین و وابستگی متقابل بیجینگ و واشنگتن به یکدیگر، دنیای خارج نمی‌تواند از فرهنگ‌زدایی سیستماتیک این منطقه و نابودی سنت‌های فرهنگی و دینی متمایز مردم تبت (که ریشه‌های باستانی‌شان در تبت و سابقه طولانی خودمختاری‌شان در این منطقه حتا به دوره پیشا شکل‌گیری چین امروزی برمی‌گردد) به دست بیجینگ، جلوگیری کند. از نظر دمیک مردم بودایی تبت در مسیر ادغام اجباری با مردم هان که قوم اکثریت چین را تشکیل می‌دهند و اکثراً بی‌دین هستند، قرار گرفته است؛ عین مسأله را مردم سین‌کیانگ نیز تجربه می‌کنند. سین‌کیانگ از شمال با تبت هم‌مرز است و درحال حاضر به لطف اسناد

هاوارد فرنچ، قارن افروز

مترجم: جلیل پژواک

تبت در اوایل قرن بیستم طی دوره‌ای که عملاً خودمختار بود به‌عنوان «پادشاهی هرمیت» شناخته می‌شد. این لقب بازتاب‌دهنده دورافتادگی این کشور به علت موقعیت آن بر روی مرتفع‌ترین فلات‌های قابل سکونت جهان و در محاصره غیرقابل‌عبورترین کوه‌های جهان و نیز از قرار معلوم به‌دلیل شخصیت گوشه‌گیر مردم تبت بود که گفته می‌شود آرزوی همیشگی‌شان این بوده که به حال خودشان گذاشته شوند.

با این‌حال طی سال‌های اخیر انزوا و دورافتادگی تبت را عوامل کاملاً متفاوت بیرونی شکل داده است؛ برخی از این عوامل این انزوا را کاهش داده و برخی دیگر آن‌را افزایش داده است. پس از پیروزی «حزب کمونیست چین» در جنگ داخلی این کشور در سال ۱۹۴۹، یکی از اولویت‌های اصلی حزب، تحت کنترل بیجینگ درآوردن تبت و الحاق این منطقه کوهستانی به کشور چین بود. این هدف پس از آن‌که «دنگ شیائوپینگ»، رهبر وقت حزب کمونیست چین و فرماندهان نظامی این حزب هزاران تن از نیروهای «ارتش آزادی‌بخش خلق» را به سمت تبت سوق دادند تا حاکمیت چین را برقرار کنند، با زور اسلحه و اشغال نظامی به‌دست آمد. رهبران سنتی تبت از این دست‌درازی حزب کمونیست و عهدشکنی بیجینگ ناراضی بودند و در سال ۱۹۵۹، برجسته‌ترین این رهبران، که یک راهب بودایی (با نام «تنزین گیاتسو») معروف به «دالایی لاما» بود، از تبت به هند فرار کرد. دالایی لاما از آن‌زمان تاکنون در هند در تبعید به‌سر می‌برد. از آن‌زمان چین نیز در رویکرد خود نسبت به تبت، گاهی ظلم و سرکوب پیشه کرده و گاهی مدارای نسبی در پیش گرفته. با این‌حال، ازدواج اجباری تبت با چین هیچ‌گاه یک پیوند شاد و باثبات نبوده است.

اوایل قرن بیست‌ویکم، بیجینگ سخت می‌کوشید تا کارزار زیربناسازی مدرن و شگرف خود را به تبت گسترش دهد؛ از جمله مرتفع‌ترین خط ریلی که با حدود ۴ هزار متر ارتفاع از سطح دریا روی مرتفع‌ترین فلات جهان کشیده شد. بیجینگ از قطارهای این خط ریل برای انتقال دسته‌جمعی اعضای جامعه قومی مسلط چین یعنی «هان‌ها» از سایر نقاط کشور به تبت استفاده کرد. این جابجایی نشان می‌داد که حزب کمونیست معتقد است که کنترل تبتی که در شهرها و مناطق آن مردم غیربومی (غیرتبتی) سکونت داشته باشند، آسان‌تر خواهد بود.

در همان زمان حزب کمونیست چین ورود آزادانه‌ی روزنامه‌نگاران و پژوهش‌گران بین‌المللی مستقل به تبت را نیز تقریباً غیرممکن ساخت. حتا گردشگران عادی خارجی نیز مجبور به اخذ مجوزهای ویژه از چین بودند. می‌توان حدس زد که این اقدام چین برای پنهان کردن پروژه شتاب‌یافته بیجینگ به‌منظور تحکیم کنترل چین بر تبت، و به‌لحاظ سیاسی، مطیع‌ساختن تبتی‌ها در برابر حزب کمونیست، به‌رغم ناراضی‌تبتی‌ها، بود (مقامات بیجینگ این پروژه را «نوسازی» و «همسازی» می‌خواندند).

بسیاری از تبتی‌ها این کار چین را ذره‌ای نمی‌پسندیدند. در سال ۲۰۰۸ موجی از اعتراض‌های گسترده در آستانه‌ی پنجاهمین سالگرد فرار دالایی لاما جوان آغاز شد. این اعتراضات نه‌تنها خشم مردم تبت نسبت به تلاش‌های چین برای فرهنگ‌زدایی محلی و تضعیف بودیسم تبتی را نشان می‌داد، بلکه بیان‌گر ترس مردم تبت از مرگ دالایی لاما در تبعید، و سپس اقدام بیجینگ به تعیین جانشین وی و قبضه‌کردن کنترل کامل بودیسم در تبت، نیز بود. به‌رغم تلاش‌های حزب کمونیست چین برای سرکوب اعتراضات در تبت، ناآرامی‌ها بیجینگ را غافل‌گیر کرد و با سرعت چشم‌گیری به سایر مناطق گسترش یافت. دیری نگذشت که اعتراضات بخش‌های بزرگی از استان «سیچوان» را در همسایگی تبت نیز در نوردید. رهبری اعتراضات را راهبان و راهبه‌هایی برعهده داشتند که با لباس زعفرانی‌رنگ مخصوص خود صومعه‌ها را ترک کردند تا در مراکز شهرها و شهرک‌ها

اوضاع در تبت دیر یا زود دوباره آستان تغییر خواهد شد؛ تنزین گیاتسوی ۸۵ ساله به پایان عمر خود نزدیک می‌شود و بیجینگ برای جلوگیری از ظهور رهبر دیگری در قد و قامت دالایی لاما چهاردهم، نقشه‌ای در سر دارد. حزب کمونیست چین به‌جای این‌که اجازه دهد جانشینی رهبر معنوی تبت روند عادی خود را طی کند، اعلام کرده است که بر روند تعیین دالایی لاما بعدی نظارت خواهد کرد. غیرمنطقی نخواهد بود اگر گمان کنیم که بیجینگ با برداشتن این گام غیرعادی، در واقع جرقه قیام بعدی را در تبت می‌زند.



گزارش

لشکرگاه از چهار سو زیر حمله طالبان؛ صدها خانواده هلمندی آواره شده‌اند



کشور اعلام کرد که نیروهای دولتی عملیات‌هایش را هم‌زمان در مناطق غربی شهر لشکرگاه، ولسوالی ناوه و نهر سراج آغاز کرده است.

رییس‌جمهور غنی هم پس از ختم دوره آتش‌بس طی تماس تلفنی با فرماندهان ارتش به آنان هدایت داد که اگر طالبان آتش‌بس نکردند و به جنگ ادامه دادند، در هر نقطه کشور سرکوب شوند.

عمر زواک، سخن‌گوی والی هلمند امروز به روزنامه اطلاعات روز گفت که عملیات تصفیوی نیروهای دولتی در اطراف شهر لشکرگاه آغاز شده است و نیروهای دولتی در حال پیش‌روی‌اند. به گفته‌ی او عملیات تصفیوی در اطراف شهر لشکرگاه از صبح امروز آغاز شده است و تا پاکسازی کامل ادامه خواهد یافت.

در جنگ لشکرگاه شمار زیادی از مردم بی‌جا شده‌اند. به گفته‌ی آقای زواک بیشتر بی‌جاشدگان به داخل شهر لشکرگاه پناه آورده‌اند. آقای زواک آمار مشخصی از بی‌جاشدگان ارائه نکرد و گفت که بررسی در این باره جریان دارد.

در همین حال گل‌ولی افغان، نماینده هلمند در مجلس می‌گوید که در جنگ جاری، شماری از افراد ملکی کشته و زخمی شده‌اند. او درباره‌ی آمار تلفات ناشی از جنگ جزئیاتی نداد اما گفت که بیشتر این افراد در انفجار ماین‌های طالبان کار گذاشته‌اند و همچنین در نتیجه‌ی برخورد مرمی‌های هواوان طالبان بر خانه‌های ملکی، کشته و زخمی شده‌اند.

او اضافه کرد که در این درگیری‌ها خسارات مالی هنگفتی نیز بر باشندگان مناطق جنگ‌زده وارد شده است. به گفته‌ی او ولایت هلمند از ولایت‌هایی است که بیشتر باشندگان آن به زراعت و مالداری مشغول‌اند و با آوارشدن صدها خانواده، مواشی و زمین‌های زراعتی آنان نیز یا از بین رفته‌اند یا هم در معرض از بین رفتن هستند.

از حدود دو هفته به این سو، پروازهای ملکی به لشکرگاه نیز متوقف است. عمر زواک، سخن‌گوی والی می‌گوید برای این که در اطراف میدان هوایی جنگ جریان دارد، برای ایمنی مسافران و هواپیماها، پروازها متوقف است.

مقام‌های محلی، اعضای شورای ملی و شورای ولایتی هلمند و وزارت دفاع ملی همه از یک چیز مطمئن‌اند و آن این که خطر سقوط لشکرگاه رفع شده است.

عبدالاحد سلطان‌زری، عضو شورای ولایتی هلمند در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که نیروهای امنیتی در لشکرگاه در حال پیش‌روی هستند و این اطمینان وجود دارد که خطر سقوط لشکرگاه رفع شده است. به گفته‌ی او نیروی کافی در شهر وجود دارد و حملات زمینی و هوایی هم در جریان است؛ با وجود این بعید است که شهر سقوط کند.

ولایت هلمند، در جنوب کشور، همواره از ولایت‌های ناامن بوده است. به گفته‌ی آقای سلطان‌زری، ولسوالی‌های سنگین، موسافله، کجکی، بغران و گرم‌سیر کاملاً در اختیار طالبان است و در سایر ولسوالی‌ها هم تنها مراکز آن در دست دولت است.



در جنگ جاری در هلمند صدها خانواده بی‌جا شده‌اند

عمر زواک، سخن‌گوی والی هلمند امروز به روزنامه اطلاعات روز گفت که عملیات تصفیوی نیروهای دولتی در اطراف شهر لشکرگاه آغاز شده است و نیروهای دولتی در حال پیش‌روی‌اند. به گفته‌ی او عملیات تصفیوی در اطراف شهر لشکرگاه از صبح امروز آغاز شده است و تا پاکسازی کامل ادامه خواهد یافت.

از سیاست، تسلط بر زبان چینی و مطالعه گسترده‌اش در مورد تاریخ تبت، او را در جایگاه منشی شخصی دالایی لاما قرار داد. دالایی لاما هرجا سفر کند، تسکیم همراهش است. با این‌حال، علاقه شخصی او نوشتن مقاله‌هایی است که فرهنگ و تاریخ نگایا را ثبت تاریخ کند و گرامی بدارد. ظاهراً تسکیم امیدوار است حالا که لهاسا تحت قبضه خفه‌کننده بیجینگ قرار دارد، فضا در مناطقی همچون نگابا به اندازه‌ای باز بماند که فرهنگ بتواند تا عصری دیگر که شاید در آن تحمل چین در برابر فرهنگ‌های غیرچینی بالاتر رفته باشد، دوام بیابد.

راه بیرون‌رفت نیست

بیشتر شخصیت‌های کتاب دمیک اصلاح‌سیاسی نیستند. آن‌ها و انگیزه‌های آن‌ها بسیار عادی و معمولی‌اند. آن‌ها به همان اندازه که به دلیل سرکوب سیاسی جاری در نگابا و منطقه اطراف آن، به سبب عقب‌ماندگی اقتصادی منطقه نیز مجبور به ترک آن شده‌اند. برخی از آن‌ها پیشرفت کلی چین را تمجید می‌کنند. اما سرانجام، کتاب دمیک درباره‌ی حصارکشی تبت به‌عنوان یک سرزمین است. تبتی‌هایی که در نگابا باقی مانده‌اند در واقع درون قلعه نظامی‌ای گیر کرده‌اند که تحت نظارت نیروهای امنیتی چینی قرار دارد. در سال ۲۰۱۲ هنگامی که به‌عنوان توریست به سیچوان غربی سفر کردم، شهرهای دیگری را نیز در وضعیت مشابه دیدم. در همین حال مقامات چینی دسترسی به تبت را به‌طور فزاینده‌ای حتا برای مردم تبتی ساکن سیچوان محدود کرده‌اند. همچنین چین سفر قانونی از تبت به هند را عملاً غیرممکن کرده است. تنها راه فرار، پیمودن مسیرهای کوهستانی صعب‌العبور و دورزدن ایستگاه‌های پولیس و شکارچیان فضل است. تبتی‌ها به آسانی قادر به دریافت گذرنامه نیستند. در سایر مناطق چین نیز با تبتی‌ها اگر با سؤزن یا حتا کینه رفتار نشود، به‌عنوان بیگانه‌ها رفتار می‌شود.

دالایی لاما در تلاش برای کاهش تنش‌ها و فضای سرکوب، بارها ایده استقلال و جدایی تبت از چین را رد کرده است. اما این موضع‌گیری، هیچ امتیازی را از جانب بیجینگ به دالایی لاما نرسانده است. بیجینگ پیوسته او را متهم و از «تفرقه‌افکنی» در تبت هتدار می‌دهد. دمیک می‌نویسد: «مهم نیست که دالایی لاما چه می‌گوید، حکومت چین هرگز از محکوم کردن وی خسته نمی‌شود.»

«فترت آن‌ها از او [دالایی لاما] بی‌حد و مرز به‌نظر می‌رسد. ما روزنامه‌نگاران شوخی می‌کردیم که او مانند لرد ولدمورت است، آنتاگونیست سریال هری پاتر؛ شخصیتی که ذکر نامش ممنوع است و (در بسیاری از مناطق تبت) تصویری از وی دیده نمی‌شود.

اما پاک‌کردن دالایی لاما از حافظه تبت غیرممکن است. در جاهایی که تصویر او ممنوع است، تبتی‌ها در عوض خودشان را با نیایش در برابر بوداسف اولوکیئتوره که بوداسف فرزانیگی و غمخواری پنداشته می‌شود و پیکره‌هایش زینت‌بخش صومعه‌های تبتی است، راضی می‌کنند. دالایی لاما از نظر آن‌ها حلول اولوکیئتوره در جسمی تازه است. اولوکیئتوره برای آن‌ها نماد رهبر معنوی در تبعیدشان است.»

همان‌طور که در کتاب آمده، در لهاسا یک تبتی به دمیک می‌گوید: «مهم نیست که ما عکس او را نداریم، ما می‌دانیم که او کجاست.» اوضاع در تبت دیر یا زود دوباره آبدستن تغییر خواهد شد؛ تنزین گیاتسوی ۸۵ ساله به پایان عمر خود نزدیک می‌شود و بیجینگ برای جلوگیری از ظهور رهبر دیگری در قد و قامت دالایی لامای چهاردهم، نقش‌های در سر دارد. حزب کمونیست چین به‌جای این که اجازه دهد جانشینی رهبر معنوی تبت روند عادی خود را طی کند، اعلام کرده است که بر روند تعیین دالایی لامای بعدی نظارت خواهد کرد. غیرمنطقی نخواهد بود اگر گمان کنیم که بیجینگ با برداشتن این گام غیرعادی، در واقع جرعه قیام بعدی را در تبت می‌زند.

هاوارد فرنچ روزنامه‌نگار، نویسنده و عکاس آمریکایی و استاد دانشگاه کلمبیا در رشته‌ی روزنامه‌نگاری است.

رفتار توأم با سؤزن پیشه کرد.

گونپو به این نتیجه رسید که ماندن در هند برای او امن‌تر است. او در هند مهارت‌های زبانی خود را در خدمت حکومت در تبعید قرار داد و به درخواست دالایی لاما قانون اساسی و قانون انتخابات تبت را به زبان چینی ترجمه کرد. او سرانجام وارد مجلس قانون‌گذاری تبت در تبعید نیز شد. در پروفایل دمیک از گونپو در «بودا را بخور»، زندگی زنی که به‌نظر می‌رسد دلایل فراوانی برای نومیدی دارد (او است که روزگاری دختر پادشاه بود اما مجبور به ترک کشورش شد و شاید دیگر هرگز نتواند با خانواده‌اش یکجا شود) پیچیدگی معضل تبت را مجسم می‌کند. گونپو به‌طرز قابل‌توجهی عاری از احساسات ضدچینی است و حتا بسیاری از دستاوردهای چین را تحسین می‌کند. در واقع، همان‌طور که دمیک خاطر نشان می‌کند، گونپو به شیوه معتدل و در «راه میانه» خودش، بیشتر از اکثر چینی‌ها سبک زندگی سوسیالیستی دارد. گونپو در مصاحبه با دمیک می‌گوید: «معمولاً سعی می‌کنم در مورد گذشته صحبت نکنم. گذشته مرا ناراحت می‌کند.» فعالانی که در برابر دست‌درازی‌های چین در زندگی مردم تبت صدای خود را بلند می‌کنند، اقلیت هستند. می‌توان تصور کرد که بسیاری از تبتی‌ها بی‌سروصدا کینه عمیقی را نسبت به بیجینگ در دل دارند. اما از ترس مجازات سکوت پیشه کرده‌اند. از میان پروفایل شخصیت‌هایی که دمیک در کتاب خود گنجانده است، احساسی که موقع خواندن پروفایل گونپو به آدم دست می‌دهد این است که او تجسم نوعی آرامش و «بی‌تفاوتی رواقی» است.

مقاومت

با این‌حال بسیاری از تبتی‌ها با ایستادن در برابر مقامات چینی، همه خطر‌ها را پذیرفته‌اند. یکی از این چهره‌ها که شرح مقاومتش در کتاب دمیک طنین‌انداخت، مردی به‌نام «تسکیم» است که برای دالایی لاما نیز کار می‌کند. تسکیم در جوانی در «نگابا» دانشجوی باهوشی بود که کتاب‌خوان‌بودنش به وی کمک کرد تا در اولین مکتب متوسطه تبتی‌زبان کشور که در سال ۱۹۸۳ افتتاح شد، به دانش‌آموزان کوچک‌تر از خودش تاریخ تدریس کند. اما طولی نکشید که او خودش را در مسیر مقاومت در برابر دستگاه حاکم یافت. تدریس تاریخ تبت در مکاتب ممنوع بود، اما تسکیم هوشیارانه شروع به گنجاندن مطالب مربوط به فلسفه بودایی و ریشه‌های تقویم تبتی، در برنامه درسی کلاس‌های خود کرد. سرپرستان چینی مکتب که از قوم هان بودند زبان تبتی را نمی‌فهمیدند و بنابراین متوجه کار تسکیم نشدند. دمیک می‌نویسد که تسکیم «می‌خواست با آنچه در مکاتب چینی به شاگردان تبتی آموخته شده بود مقابله کند. در مکاتب چینی، زبان چینی را زبان سواد و زبان تبتی را صرفاً زبان عامیانه معرفی می‌کنند که توسط پیرمردها و راهبان استفاده می‌شود.»

بعدا تسکیم کتاب خاطرات دالایی لاما «سرزمین من، مردم من» (منتشره در سال ۱۹۶۲) را به‌عنوان هدیه دریافت کرد. پیام رهبر معنوی تبت مبنی بر این که «تبت ملتی متمایز و باستانی است که طی قرن‌های متمادی از روابط حسنه و سرشار از احترام متقابل با چین برخوردار بوده» بسیاری از باورهای تسکیم را بیشتر از پیش تقویت کرد. تسکیم که اکنون جرأت یافته بود، شروع به پذیرفتن خطرهای کلان‌تر کرد؛ از جمله تهیه پوست‌های خوشنویسی‌شده با پیام‌هایی مانند «تبت آزاد، چینی‌ها تبت را ترک کنند و عالی‌جناب دالایی لاما برگردد» کرد. وقتی هوا تاریک می‌شد، تسکیم به کمک شاگردان خود این پوست‌ها را در مکان‌های معروف آویزان می‌کرد.

همان‌طور که انتظار می‌رفت، این کار به دستگیری تسکیم در سال ۱۹۸۹ انجامید. مقامات یکی از همراهان تسکیم را شکنجه و مجبور به اعتراف و به زبان آوردن نام بقیه همدستانش کرده بودند. در دادگاه تسکیم سرافرازانه گناه خود را پذیرفت و به یک سال زندان محکوم شد (که در واقع شروع اوقات بهتر او بود). چندی پس از آزادی از زندان چین، تسکیم با یک شاگرد قدیمی خود که بعداً هردو زن و شوهر شدند، به هند فرار کرد. او در درمسالا مستقر شد و آگاهی‌اش

بحران کرونا در هند، برنامه کووآکس را به تعویق انداخت



اطلاعات روز: بحران کرونا در هند باعث شده که برنامه کووآکس هم اکنون صد و چهل میلیون از آنچه که برنامه‌ریزی کرده بود عقب‌تر باشد.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، انستیتو «سرم» در هند، که بزرگترین تولیدکننده در برنامه کووآکس است، به دلیل ممنوعیت صادرات واکسن از هند قادر به انجام تعهداتش نبوده است.

دولت هند از دو ماه پیش صادرات واکسن از این کشور را ممنوع کرد. بالا رفتن میزان ابتلا و مرگ بر اثر ابتلا به ویروس کرونا باعث اتخاذ چنین تصمیمی شده بود. یونیسف، صندوق کودکان سازمان ملل متحد، وظیفه خرید و توزیع واکسن برای کووآکس را به عهده داشت. یونیسف از سران هفت کشور صنعتی (جی هفت) و اتحادیه اروپا خواسته تا از واکسن‌های خود به مردم کشورهای دیگر جهان بدهند.

قرار است که سران هفت کشور صنعتی، یک ماه دیگر در بریتانیا دیدار کنند.

یونیسف، می‌گوید بررسی‌های آماری این نهاد نشان می‌دهد که اگر سران این هفت کشور، مردم خود را واکسینه کنند، همچنان می‌توانند ۱۵۳ میلیون دوز واکسن به کشورهای دیگر هدیه کنند.

«نگرانی بزرگ»

شرکت «سرم» بنا بود که نیمی از تعهدات کووآکس در سال جاری را تهیه کند. کووآکس بنا بود دو میلیارد دوز واکسن برای کشورهای مختلف جهان تهیه کند. اما در ماه‌های مارچ، اپریل و می، هیچ واکسنی از این شرکت به خارج از هند فرستاده نشده است. تا پایان ماه جون (یک ماه دیگر) کمبود واکسن کووآکس به صد و نود میلیون دوز خواهد رسید.

ژیان گاندی، مدیر تامین کووآکس، درباره شرایط کنونی این برنامه جهانی گفت: «ما حالا در شرایطی

هستیم که نمی‌دانیم دوزهای بعدی کی به دست ما می‌رسد.»

او گفت که شرایط بی‌ثبات در هند، پیش‌بینی بهبود اوضاع واکسن را سخت کرده است و اضافه کرد «نگرانی بزرگی» پیش روی آنهاست.

یونیسف از آلمان، ایالات متحده آمریکا، ایتالیا، بریتانیا، جاپان، فرانسه و کانادا (اعضای گروه هفت کشور صنعتی) و اتحادیه اروپا خواسته که واکسن‌های مازاد خود را سریع‌تر به کووآکس اهدا کنند.

بعضی از این کشورها، آنقدر واکسن سفارش داده‌اند که می‌توانند بارها مردمشان را واکسینه کنند.

در ماه فوریه، بوریس جانسون، نخست وزیر بریتانیا، وعده داده بود که واکسن‌های مازاد را به کشورهای فقیر اهدا کند. اما هنوز هیچ زمانی برای تحقق این وعده مشخص نشده است. ایالات متحده آمریکا هم در شرایط مشابهی است. تا اینجا در میان کشورهای گروه هفت، فقط فرانسه است که از شروع وخامت

اوضاع در هند، بخشی از واکسن‌هایش را به کشورهای دیگر اهدا کرده است.

هزینه‌های «غیرقابل محاسبه»

یونیسف می‌گوید کشورهای ثروتمند و قدرتمند عضو گروه هفت با اهدای بیست درصد از واکسن‌هایش در ماه‌های جون، ژوئیه و آگوست می‌توانند به جمع شدن ۱۵۳ میلیون دوز واکسن برای کووآکس کمک کنند.

فرانسه تا میانه ماه جون وعده کرده که نیم میلیون دوز کمک کنند و بلژیک هم گفته صد هزار دوز اهدا خواهد کرد.

اسپانیا، سوئد و امارات متحده عربی بعضی از کشورهای هستند که وعده کرده‌اند بخشی از آنچه که دارند را اهدا کنند.

این نگرانی وجود دارد که اتفاقی مشابه آنچه که در هند روی داد در کشورهای دور و نزدیک به وقوع بپیوندد. هنریتا فور، مدیر اجرایی یونیسف، گفت: «تعداد

همزمان با شدت گرفتن درگیری‌ها بین اسرائیل و حماس، جامعه جهانی خواهان برقراری آتش‌بس شد

این کشورها همچنین نسبت به تنش در بیت المقدس شرقی و درگیری‌ها در اطراف مسجد الاقصی ابراز نگرانی کرده و از همه طرف‌ها خواستند که برای کاهش تنش‌ها با یکدیگر همکاری کنند.

نیکلاس دیویر، نماینده فرانسه در نشست شورای امنیت نیز با انتشار بیانیه‌ای ضمن ابراز نگرانی نسبت به وضعیت غزه، پرتاب راکت از آن ناحیه به اسرائیل را به شدت محکوم کرد و اعلام کرد که باید این حملات به سرعت متوقف شود.

فرانسه در نشست شورای امنیت عنوان کرد که امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه، به گفت‌وگوهای خود با بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل و محمود عباس، رئیس دولت خودگردان فلسطین، برای توقف درگیری‌ها ادامه می‌دهد.

در نشست سازمان کشورهای اسلامی نیز وزیران و نمایندگان این کشورها خواستار توقف حملات اسرائیل شدند که موجب کشته شدن غیرنظامیان در غزه شده است.

در این نشست مجازی، که به درخواست عربستان سعودی برگزار شد، فیصل بن فرحان، وزیر امور خارجه این کشور اقدامات اسرائیل در «نقض فاحش حقوق فلسطینیان» و اخراج فلسطینیان ساکن بیت المقدس شرقی از خانه‌هایشان را محکوم کرد.

وزیر خارجه اردن نیز اسرائیل را متهم کرد که منطقه را به سمت بحران بیشتر سوق می‌دهد. برخی از حاضران از جمله نماینده ترکیه نیز از عادی‌سازی روابط کشورهای اسلامی چون بحرین و امارات متحده عربی با اسرائیل انتقاد کردند.

حمله جنگنده‌های اسرائیلی روز یکشنبه موجب کشته شدن ۴۲ نفر شد و مجموع جان‌باختگان از آغاز این درگیری‌ها را به دست کم ۱۸۸ نفر از جمله ۵۵ کودک در غزه رساند.

تلاش‌ها و تماس با طرف‌های درگیر برای دستیابی به یک آتش‌بس فوری تاکید کرد.

در این نشست، لیندا توماس گرینفیلد، نماینده آمریکا تاکید کرد که دولت آمریکا از طریق کانال‌های دیپلماتیک بدون وقفه در حال تلاش برای توقف درگیری‌ها است.

او هشدار داد که بازگشت به درگیری‌های مسلحانه فقط راهکار دو کشوری را، که بیشتر بر سر آن توافق شده بود، از میان می‌برد و به شرایط را به درگیری‌های اسرائیل و فلسطینیان در دهه‌های گذشته باز می‌گرداند.

در پایان نشست شورای امنیت، نروژ، چین و تونس در بیانیه‌ای مشترک نگرانی شدید خود را از وضعیت غزه و آمار کشته‌شدگان در این منطقه ابراز کردند و خواستار آتش‌بس فوری و احترام به قوانین بین‌المللی برای حفاظت از غیرنظامیان شدند.



اطلاعات روز: با ادامه درگیری و شدت گرفتن حملات میان اسرائیل و گروه‌های حماس و جهاد اسلامی، تلاش‌های بین‌المللی به منظور فشار بر دو طرف برای توقف درگیری‌ها و پذیرش آتش‌بس افزایش یافت.

به گزارش ایران اینترنشنال، جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا، روز یکشنبه ۲۶ ثور، در پیامی ویدیویی اعلام کرد که دولت او برای رسیدن به صلح و آرامش پایدار با مقام‌های اسرائیلی و فلسطینی گفت‌وگو می‌کند.

بایدن همچنین افزود که معتقد است فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها به یک اندازه شایسته داشتن آرامش، امنیت، زندگی امن و بهره‌برابر از آزادی و دموکراسی هستند.

همزمان، آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا، با وزیران خارجه عربستان سعودی، قطر و مصر برای کاهش تنش و دستیابی به آتش‌بس تلفنی گفت‌وگو کرد.

وزیر خارجه آمریکا، در تماس تلفنی با فیصل بن سلمان آل سعود، وزیر امور خارجه عربستان سعودی، درباره آخرین تحولات فلسطین و منطقه تبادل نظر کرد.

بلینکن همچنین در گفت‌وگوی تلفنی با محمد بن عبدالرحمن آل ثانی، وزیر خارجه قطر، با توجه به جان باختن غیرنظامیان در درگیری‌های اخیر، درباره تلاش‌ها برای بازگشت آرامش به اسرائیل، کرانه باختری و غزه تبادل نظر کرد.

او همکاری آمریکا و قطر را در زمینه پیشبرد صلح و امنیت در منطقه مورد توجه قرار داد و از اقدامات آن کشور در این زمینه قدردانی کرد.

غیر از این وزیر خارجه آمریکا با سامح شکر، وزیر خارجه مصر نیز درباره بالا گرفتن تنش‌ها و خشونت‌ها در اسرائیل، کرانه باختری و غزه گفت‌وگو کردند. بلینکن گفت که همه طرف‌ها باید به تنش‌ها پایان دهند و هرگونه خشونت را فوراً متوقف کنند.

وزیر خارجه آمریکا، از تلاش‌های مصر برای پشتیبانی از

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

• سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

• سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

• گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس،

واجد روحانی و فریضه عالمی

• بخش صلح: حسین‌علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرز

• مترجم: جلیل پژواک

• ویراستار: شیر مهریار

• صفحه آرا: رضا مظفری

• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جويا

• ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

• آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۷۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

• شماره تماس: ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ - ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷

• شماره تماس: mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

حسین‌علی کریمی

اطلاعات روز: بحث را با یک پرسش کلی آغاز کنیم که هنر (منظور من از هنر در این جا به‌صورت خاص ادبیات و شکل‌های مختلف آن از قبیل شعر، داستان، رمان، نمایش‌نامه و ... است)، چطور می‌تواند جوامع را به این هدف غایی، یعنی پرهیز از خشونت و جنگ، کمک کند؟

ابوطالب مظفری: قبل از این که بگوییم چطور می‌تواند باید سوال دیگری را پاسخ دهیم و آن این که آیا ادبیات قادر به چنین انتظاری هست یا نه؟! بعد برویم سراغ این موضوع که چطور می‌تواند این انتظار را برآورده کند. به نظر من به‌صورت کلی می‌شود با دو رویکرد به این سوال پاسخ داد. ما یکبار به‌شکل انضمامی به ادبیات نگاه می‌کنیم. این که مثلا از نقش شعر و داستان در جابه‌جایی امور جامعه صحبت کنیم و به نمونه‌هایی از تاریخ ادبیات رجوع کنیم. بعد ببینیم که در برهه‌هایی از تاریخ این کار توسط ادبیات صورت گرفته است یا نه؟! این شیوه، کار نسبتاً سختی است. اما لازم است که به آن توجه کنیم. از این جهت سخت است که ما باید سنجه‌های بسیار دقیقی از بررسی تحولات در یک کشور داشته باشیم تا اثبات کنیم که ادبیات با این نشانه‌ها و دلایل در کنار سایر عوامل در پرهیز از خشونت و جنگ در یک جامعه نقش داشته است یا خیر؟! تحلیل و بررسی این نشانه‌ها و سنجه‌ها کار دشواری است. اما ما ناگزیریم به آنچه که نوشته‌ها و تاریخ به ما داده است رجوع کنیم. از این منظر ما می‌توانیم بگوییم که ادبیات و به‌طور کلی هنر، ذاتا این توانایی را دارد. ما نمونه‌های زیادی در تاریخ برای این مدعا داریم. اگر این تغییر و تحولات را در افغانستان بررسی کنیم که کمترین میزان ادبیات را در مقایسه با کشورهای پیشرفته مثل فرانسه و یا سایر کشورهای اروپایی داشته است، سطح وسیع‌تری از این تأثیرگذاری را مشاهده می‌کنیم. خیلی‌ها معتقدند که در انقلاب کبیر فرانسه این روشنفکران که عموماً در میان آن‌ها شاعران و ادیبان نیز بودند، نقش عمده‌ای در این انقلاب داشته‌اند. یا مثلا در روسیه هم چنین وضعیتی بوده است. در دورانی که مارکسیسم به انحطاط کشیده شد و در خود انقلاب چپی ردپای شاعران و یا به عبارتی روشنفکران را مشاهده می‌کنیم. در انقلاب مشروطه ما هم چنین بوده است. اولین کسانی که گردانندگان آن انقلاب بودند، ویژگی‌های ادبی و ژورنالیستی داشتند. یعنی شاعر و نویسنده بودند. اولین قربانیان انقلاب مشروطه‌ی ما هم تعدادی از شاعران بودند.

در انقلاب مشروطه کشور همسایه‌ی ما ایران نیز شاعران و ادیبان چنین نقشی را داشته‌اند. دلایل هم این است که ادبیات یک ابزار تأثیرگذار است. ابزاری که چه خودش را هدف بدانیم و چه خودش را وسیله، ابزاری است که در تأثیرگذاری و ایجاد کنش جمعی مؤثر است. رویکرد دوم این است که با تحلیل نظری‌تری به ادبیات بپردازیم. به این معنی که به ریشه‌های این قضیه رجوع کنیم و بررسی کنیم که وقتی که می‌گوییم ادبیات نقشی در جنگ و صلح دارد؛ آیا این وضعیت مطلق است؟ یا در هر جامعه‌ای نقش ادبیات یکسان بوده است؟ یا نه بستگی به شرایط و عواملی هم دارد؟ از دل این مبحث یک قاعده کلی نمی‌توانیم استخراج کنیم.

در نهایت نظرم این است که بله، ادبیات می‌تواند در همه امور جوامع نقش داشته باشد. اما نه هر ادبیاتی و نه در هر جامعه‌ای. چرا و به چه دلیلی ما می‌گوییم ادبیات مؤثر است؟ به‌نظر من ادبیات بخشی از زبان است. یعنی بخشی از نشانه‌های ارتباطی است که انسان‌ها آن را وضع کرده‌اند برای چنین منظوری. انسان وقتی زبان را اختراع کرد، هدفش این بود که برخی از اهدافش را به این واسطه برآورده کند. یعنی بتواند با دیگری ارتباط برقرار کند. لذا این موضوع را می‌توان از منظر زبان‌شناسی هم تحلیل کرد. چون فلسفه وجودی زبان همین است.

اطلاعات روز: منظور شما از این که می‌گویید در هر جامعه‌ای ما نباید از ادبیات انتظار عمل یکسان داشته باشیم چیست؟ چه تفاوتی میان عملکرد ادبیات در یک جغرافیا با سایر جوامع است؟

ابوطالب مظفری: هر جامعه‌ای شرایط و عوامل خودش را دارد. در صدر اسلام، وقتی پیامبر اسلام به سرزمین مکه آمد برخلاف همه پیامبران، معجزه‌اش و یا وسیله‌ای که با آن با مردم گفت‌وگو و تعامل کند، معجزه خیلی خاصی نبود. مثلا توانایی تبدیل عصا به اژدها یا زنده کردن مردگان را نداشت. بلکه ابزار ایشان یک گفتمان ادبی بود و معجزه ایشان هم کتاب بود و این کتاب هم از یکسری ویژگی‌ها مثل داشتن روایت تشکیل می‌شد. قرآن به یک معنا یک اثر ادبی است. به این دلیل که محتوای آن را مسلمانان و کفاری که در آن زمان با آن مواجه می‌شدند به‌شکل یک متن ادبی تحلیل می‌کردند. ما در دوران اولیه داریم که وقتی اولین آیات قرآن در میان مردم خوانده شد، مردم به این فکر افتادند که این کتاب چه چیزی است؟ بنابراین بین خودشان گفت‌وگو کردند که آیا این آیات شعر است، جادوگری است، سحر است و یا چیز دیگری است؟ همچنین مردم بین خود این سوالات را مطرح می‌کردند که پیامبر این چیزها را از کجا آموخته است؟ همه مباحثی که در آن زمان مطرح می‌شد از شکل گفتمان ادبی بود که

نقش ادبیات در زمانه‌ی جنگ و صلح (۱)

گفت‌وگو با استاد ابوطالب مظفری، شاعر و نویسنده



اگر در جان ادبیات باشد، آن ادبیات ذاتا صلح‌جویانه است. هرچند این ویژگی ذات‌محور را خیلی‌ها نمی‌پسندند.

اطلاعات روز: آیا می‌توانیم شاخص‌هایی برای این نوع از ادبیات برشمریم و اینکه منظور شما نوعی ادبیات متعهدانه است که همراه با مسئولیت اجتماعی است؟

ابوطالب مظفری: در این بحث تعهد سیاسی و اجتماعی به معنای خاص آن مد نظر من نیست. بلکه تأکید من روی تعهد هنری است. یعنی تعهدی که در ذات خود هنر است. ما زبان‌های متفاوتی داریم و هر زبان در اجتماع یک تعهد خاص دارد. مثلا زبان خبری یکسری تعهد خاصی از آن انتظار می‌رود. مثلا روشن باشد و ضمیر آدم‌ها را به‌صورت شفاف به دیگری منتقل کند. تعهدی که زبان علمی دارد نیز کاملا متفاوت از زبان خبری است. اصطلاحات و کلمات مورد استفاده در این زبان تعریف‌شده و خالی از ابهام و ابهام است. هدف این زبان این است که بتواند به بهترین شکل ممکن، تئوری علمی را منتقل کند. بنابراین ما زبان‌های مختلفی داریم که هر کدام تعهدات مختلفی دارند. برخی از جمله خود من بر این عقیده هستیم که زبان ادبی، فی‌نفسه یک نوع تعهد دارد. تعهد به این دلیل که زبان فطرت و صلح‌جویانه بشری است. زبان ادبی بر دو عنصر تأکید دارد؛ زیبایی‌شناسی و ریشه‌داشتن در عشق، مهر و محبت. اگر شما از ادبیات جهان دو ویژگی را حذف کنید، آن وقت آن را از زبان ادبی خارج کرده‌اید. آن دو ویژگی زیبایی‌شناسی و عشق و یا به عبارتی صلح بشری است. در این دو ویژگی اخلاق‌مداری وجود دارد؛ خیر وجود دارد. هرچند می‌توان گفت که در نبود این دو ویژگی قالب زبان، ادبی است اما به‌نظرم محتوای ادبی و اخلاقی و آن تعهد هنری، دیگر وجود ندارد. در ذات هنر زیبایی است و با خشونت ارتباط ندارد چرا که خشونت هم خلاف اخلاق است و هم خلاف زیبایی‌شناسی. براساس این دیدگاه می‌توان گفت که ذاتا ادبیات صلح‌پرور است و با خشونت، دروغ، فریب و ... میانه‌ای ندارد.

اگر شما از ادبیات جهان دو ویژگی را حذف کنید، آن وقت آن را از زبان ادبی خارج کرده‌اید. آن دو ویژگی زیبایی‌شناسی و عشق و یا به عبارتی صلح بشری است. در این دو ویژگی اخلاق‌مداری وجود دارد؛ خیر وجود دارد. هرچند می‌توان گفت که در نبود این دو ویژگی قالب زبان، ادبی است اما به‌نظرم محتوای ادبی و اخلاقی و آن تعهد هنری، دیگر وجود ندارد. در ذات هنر زیبایی است و با خشونت ارتباط ندارد چرا که خشونت هم خلاف اخلاق است و هم خلاف زیبایی‌شناسی.

ادبیات اخلاقی ما محتوای آن توصیه‌های اخلاقی است. اما ادبیات تغزلی ما سراسر رواج عشق است؛ رواج مهرورزی است. ادبیات تغزلی و عرفانی ما به این سمت گرایش دارد. ادبیات حماسی ما نیز که اندکی شبهه درباره‌ی محتوای آن وجود دارد که این نوع ادبیات به جنگ می‌پردازد نیز وقتی ذاتا شاهنامه را بررسی می‌کنیم، متوجه خواهیم شد که قهرمانان شاهنامه در دو طرف جنگ، تلاش دارند که وضعیت به سمت صلح حرکت داده شود. طوری که جلوی افراد سرکش و طغیان‌گر گرفته شود. جلوی قدرت‌ها گرفته شود. در ذات شاهنامه نیز جنگ‌افروزی امری پسندیده نیست. ادبیات در ذات خود صلح‌گرا، مهرگستر و عشق‌محور است. بنابراین در جامعه‌ای که زمینه‌های

روی شاخص‌های متن و خود متن بحث می‌کرد. در تاریخ مشهور است که آن زمان به دوره جاهلیت مشهور بوده است. البته که این جاهلیت تعریف خاص خودش را دارد و به معنای نادانی نیست. پرسش این است که به چه دلیل گفتمان ادبی در این جامعه، جایی برای خود باز کرد؟ اگر تاریخ اعراب آن برهه را نگاه کنیم، متوجه خواهیم شد که قبل از آن هم شعر و ادبیات نقش پررنگی در آن جامعه داشته است. شعر یکی از مهم‌ترین ابزارهای تأثیرگذار در جامعه بوده است. ما شاعران بسیار بزرگی در تاریخ آن موقع جهان عرب داشتیم که سالانه گردهمایی داشتند، شعر می‌خواندند و مسابقه برگزار می‌کردند. همچنین سالانه یک جایزه ادبی ویژه شاعران و شعر داشتند. در مجموع در آن دوره مردم با ادبیات و تأثیر کلمه و زبان آشنا بودند. به همین دلیل در چنین جامعه‌ای، گفتمان ادبی مؤثر واقع شد. اگر این تاریخ و آشنایی با ادبیات و شعر نمی‌بود، این احتمال وجود داشت که گفتمان ادبی پیامبر، جایی درون جامعه برای خود باز نکند و آن همه گفت‌وگو، پیرامون متن قرآن اتفاق شکل نگیرد. اگر آن آشنایی وجود نمی‌داشت، این احتمال وجود داشت که زیبایی‌ها، هنر تمثیل، قصه و نوع روایت قرآن را مردم فهم نکنند. بنابراین وقتی مردم درباره‌ی متن مقدس گفت‌وگو می‌کردند، نشان می‌دهد که مردم آن موقع، آگاهی‌هایی درباره‌ی متن و ویژگی‌های آن داشتند. به‌نظر من در جوامعی که فرهنگ در آن جامعه در حاشیه قرار دارد و نقش فرهنگ با مسائل دیگر به حاشیه رفته است و یا کنار گذاشته شده است، در چنین جوامعی شما تأثیر ادبیات را در امور اجتماعی جامعه نمی‌بینید. از چندین قرن به این طرف، گفتمان فرهنگی از جامعه ما به کلی رخت بر بسته است. و به تبع آن گفتمان‌های ادبی و هنری نیز به حاشیه رفته است. لذا در چنین جامعه‌ای، تأثیرگذاری ادبیات بسیار کم است. این تأثیرگذاری محدود به جامعه روشنفکران، جامعه ادبی و شهری است.

این امور آماده باشد، ادبیات می‌تواند بر روند صلح‌سازی جامعه تأثیر بگذارد. اما در جوامعی که این مقدمات مهیا نیست، ادبیات نمی‌تواند کمکی به فرایند صلح‌سازی کند و به حاشیه می‌رود. در چنین وضعیتی، ادبیات به دو دلیل به انحراف کشیده می‌شود. در یک وضعیت، ادبیات به ابزاری در دست سیاست‌مداران و قدرتمندان تبدیل می‌شود و در دیگر حالت، ادبیات به ادبیات نصیحت‌گر تبدیل می‌شود. ادبیات نصیحت‌گر، ادبیات حاشیه است. در جامعه‌ای که سلطه قدرت و سیاست زیاد است و جایی برای ادبیات نیست، ادبیات دو کار می‌کند. یا به‌شکل قاصد مدحیه در خدمت قدرت درخواهد آمد و یا این که به‌شکل ادبیات نصیحت‌گر در خدمت سلطان درمی‌آید. هر دو ادبیات، ادبیات مؤثری نیست.

اطلاعات روز: شما به بحث زبان و انواع آن در ادبیات پرداختید. در کشوری که نظام حاکم و گروه‌های وابسته به هژمونی قومیت و انحصار تلاش می‌کنند تا زبان فارسی را که بخشی از فرهنگ این مردم است، حذف کنند آیا می‌شود به کارکردهای ادبیات امید داشت؟ دعوا بر سر فارسی و یا پشتو نوشتن لوحه‌های دانشگاه‌ها مثال خوبی در این رابطه است. و همین طور برخی لوحه‌های شهرداری در مناطق شهر کابل که به زبان انگلیسی و پشتو است و اما خبری از زبان فارسی در آن وجود ندارد.

ابوطالب مظفری: ما در مقابل یک امر اختیاری قرار نداریم که بگوییم آیا به ادبیات امیدوار باشیم و یا نه! ما چاره‌ای جز امیدواری به ادبیات نداریم. خصوصا در جوامعی مانند افغانستان که مشکلات فراوان دارد. مشکل حذف یک زبان در این جا مطرح است. همچنین مشکل انحصار قدرت وجود دارد. آن هم قدرتی که زبان و ادبیات را به حاشیه می‌راند. در جایی که منطق آن، منطق طرد و نفی و نابودی فرهنگ و زبان است، به‌نظرم راهی جز متوسل شدن به فرهنگ، زبان و ادبیات برای حل مسأله نیست. جنبه اختیاری در این قضیه از دست ما خارج است. به قول مولانا «چون که سرکه، سرکگی افزون کند/ پس شکر را واجب افزونی بود.» منظور مولانا این است که اگر در این چنین جوامعی سرکه، خاصیت سرکگی‌اش را افزایش داد ما چاره‌ای نداریم که از طرف دیگر شکر آن را زیاد کنیم. راه‌حل این است که به ادبیات و فرهنگ بهای بیشتری بدهیم. چرا که آسیب‌های ما ناشی از همین نفی زبان، فرهنگ و ادبیات است.

زبان می‌تواند تأثیرات مخربی نیز داشته باشد. هری فرانکفورت مقاله‌ای دارد به‌نام «حرف مفت». ایشان معتقد است که در یک جامعه‌ی آسیب‌دیده، بسیاری از حرف‌هایی که زده می‌شوند از جنس حرف مفت است. به‌عنوان مثال وقتی ما یک خبری را مشاهده می‌کنیم و در آن یک جمله خبری را به‌کار می‌بریم، دو حالت وجود دارد. یا حرف ما مطابق با واقعیت و درست است و یا غیر این است. خیلی‌های ما که راست می‌گوییم بر این باوریم که حرف ما راست است. آن‌هایی که دروغ می‌گویند، تکلیف‌شان مشخص است. اما به باور هری فرانکفورت، یک عده هستند که در این میان بی‌تفاوت به راست‌بودن و دروغ‌بودن حقیقت هستند. در شکل سوم، حقیقت برای افراد مهم نیست. آنچه برای آنان مهم است این است که با راست‌گویی و دروغ‌گویی به هدفشان برسند. این امر بیشتر به سیاست و قدرت گره خورده است. این عده کاری ندارند که چه چیزی راست یا دروغ است. آن‌ها می‌خواهند ببینند کجا، راست‌گویی و کجا، دروغ‌گویی به‌درشان می‌خورد. از نظر ایشان، این نگرش مصداق حرف مفت است. در جامعه هم همین‌طور است. مثلا سیاست‌مداران ما حرف می‌زنند. حرف‌های خوبی هم می‌زنند. بعد متوجه می‌شویم که آن حرف‌ها را عمل نمی‌کند. بعد ما آدم‌هایی که از سخن‌گفتن دنبال حقیقت و راستی آن هستیم، این‌ها را دروغگو می‌پنداریم. در نتیجه می‌گوییم ببین! فلانی آن حرف‌ها را در ابتدای انتخابات گفت اما به آن‌ها عمل نکرد. درحالی‌که توده مردم از این مسأله غافلند که این آدم حتما دروغگو هم نیست. این آدم به دروغ و راست اصلا باور ندارد. لذا این آدم‌ها حرف مفت می‌زنند. چون به حرف راست و دروغ‌شان اعتقادی ندارند. ما در جامعه‌ای قرار داریم که بسیاری از سیاست‌مداران ما و خیلی از فرهنگیان ما به تعهدات زبان در قالب خودش و به ادبیات، اعتقاد چندانی ندارند. لذا حرف می‌زنیم و حرف مفت هم می‌زنیم. بنابراین در چنین جامعه‌ای باید تلاش کنیم که زبان را به مجرای اصلی آن برگردانیم. کنفوسیوس حرف جالبی در این رابطه دارد. ایشان می‌گوید بزرگ‌ترین ظلمی که بشریت در حق یکدیگر کرد این بود که زبان را از آن جایگاه واقعی خودش تنزل داد. زبان در چنین وضعیتی دچار پیچیدگی و هرج‌ومرج می‌شود. در حقیقت زبان در جایگاه حقیقی خودش تعریف نمی‌شود. در ادبیات و فضای روشنفکری ما هم همین‌طور است. وقتی حرف می‌زنند به راست و دروغ بودن کلام‌شان آن‌قدر اهمیت نمی‌دهند که به کارآیی مقصودشان اهمیت می‌دهند. اگر ما به ذات حقیقت توجه می‌کردیم، آن وقت ما خواستار حذف یک انسان، زبان، قوم، فرهنگ و یک ایده نمی‌شدیم. چون حذف این‌ها در واقع به خود ما آسیب می‌زند

ادامه دارد...

حساب جاری زنان

از برای بانک سرت دارد که حساب جاری زنان را به شما معرفی می کند که محصولی اختصاصی برای جامعه محترم و شریف زنان افغانستان میباشد. محصول منگور حساب جاری به پول مرد می افتد و در امریکایی و برای هزینه تلفات در کنار نهادن متن ها، خود پر از صرفی و مسر ثبت کارت ها و همچنان خدمات رایگان پین کارت و بدون هزینه نگهداشت حساب میباشد. این حساب با حد اقل 500 افغانی و 50 دلار امریکایی افتتاح میگردد که لذتترین نرخ برای بانکداری بتوان میباشد.

www.azizibank.af 1515

استناد توافق نامه ۸ اگست ۱۹۴۵ متفقین به وجود آمد، جرایم ضد بشری تعریف گردیده است و براساس بند «ج» منشور این دادگاه مصادیق جنایت علیه بشریت عبارتند از: «قتل عمد، ریشه کن کردن، به بردگی گرفتن، اخراج و سایر اعمال غیر انسانی که علیه یک جمعیت غیر نظامی ارتکاب می یابد». کشتار هدفمند دانش آموز، دانشجو، کودک و نوزاد هزاره در این چارچوب نیز می تواند مصداق جنایت علیه بشریت محسوب گردد.

نتایج و پیامدها

بنابراین جامعه جهانی و دولت افغانستان در دو سطح در قبال این روند مسئولیت دارند. اولین و کمترین مسئولیت این است که این موضوع از سوی نهادهای بین المللی ذی ربط و حتا دولت افغانستان در مشوره با نهادهای مثل کمیسیون حقوق بشر به عنوان نسل کشی مورد بررسی قرار گیرد و در گام بعدی اگر نهادهای بین المللی و دی صلاح و یا دولتی به این تشخیص برسند که نسل کشی و جنایت علیه بشریت در حال رخ دادن است، شورای امنیت ملل متحد و دولت های که این کنوانسیون را امضا کرده اند، برای مجازات عاملان و جلوگیری از ادامه آن ملزم به اقدام خواهند بود. چنانکه در گذشته نمونه های از اقدامات بین المللی در این زمینه را داریم از قبیل قطع نامه ۸۲۷ شورای امنیت ملل متحد، مصوب ۱۹۹۳ که به موجب آن دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاویای سابق (ICTY) تشکیل گردید تا به جنایات از جمله نسل کشی و جنایت علیه بشریت در یوگسلاویای سابق رسیدگی کند. همچنین شورای امنیت ملل متحد با تصمیم حکم قبلی در سال ۱۹۹۴ زمینه تشکیل دادگاهی جداگانه در مورد نسل کشی در جنگ داخلی رواندا را فراهم کرد. کالین پاول وزیر خارجه وقت امریکا در ۲۰۰۴ اعلام کرد که در دارفور سودان نسل کشی جریان دارد و مسئول آن را مشخص کرد و در سال ۲۰۱۷ جان کری دیگر وزیر خارجه وقت امریکا اعلام کرد که داعش در سوریه و عراق علیه ایزدی ها، مسیحیان و مسلمانان شیعه مرتکب نسل کشی شده است.

به رسمیت شناختن این موضوع، الزامات و پیامدهای در راستای مجازات عاملان و حفاظت ویژه از گروه در معرض نسل کشی را در پی دارد. از طرف دیگر به رسمیت شناخته شدن این موضوع نیازمند تلاش مجدانه و مستمر نهادهای حقوق بشری، دولت افغانستان و خود قربانیان است تا توجه نهادهای بین المللی و دولت های مثل ایالات متحده امریکا به این موضوع را جلب کنند.



حملات زنجیره ای بر غرب کابل؛ هزاره ها در معرض نسل کشی قرار دارند؟

معنا و مفهوم است که گروه قومی هزاره به دلایل مذهبی و نژادی در معرض حذف سیستماتیک فیزیکی، خشونت و تبعیض گسترده و عمیق است. در این فرایند از خشم و نفرت، کودکان مکتب و حتی نوزاد چند ساعته این مردم مصونیت ندارد، زایشگاه، و کودکان در حال خروجشان از مکتب، یک هدف مهم نظامی محسوب می شوند.

برخی نمایندگان مجلس افغانستان نیز در نشست ۲۰ ثور تداوم حملات بر هزاره ها/ شیعیان را «مصادیق بارز جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل کشی قومی» دانسته اند. از جمله شاه گل رضایی یکی از اعضای پارلمان افغانستان گفته است: «از سال ۱۳۹۵ به این طرف رویدادهای خونین بیشتر علیه یک قوم اتفاق افتاده و مردم یک مذهب خاص با نسل کشی مواجه بوده اند.»

همچنین افکار عمومی و کاربران شبکه های اجتماعی به این قضیه به عنوان نسل کشی پرداخته اند.

نسل کشی در اسناد بین المللی

اصطلاح نسل کشی یا ژنوساید برای نخستین بار در ۱۹۴۴ از سوی رافائل لمکین یک حقوق دان پولندی، برای تبیین اقدامات آلمان نازی علیه یهودیان به کار برده شد و در اثر تلاش های وی کنوانسیون منع و مجازات نسل کشی در دسامبر ۱۹۴۸ از سوی مجمع عمومی ملل متحد تصویب و در ماده دوم آن تعریف ذیل از

نسل کشی ارائه گردیده: «در قرارداد فعلی مفهوم کلمه «ژنوساید» یکی از اعمال مشروحه ذیل است که به نیت نابودی تمام یا گروه ملی و قومی و نژادی و یا مذهبی ارتکاب گردد. از این قرار:

۱. قتل اعضای یک گروه.
۲. وارد کردن صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی و یا روحی افراد یک گروه.
۳. قراردادن عمدی گروه در معرض وضعیت زندگانی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود.
۴. اقداماتی که به منظور جلوگیری از تولد و تناسل یک گروه صورت گیرد.
۵. انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر.»

به نظر می رسد در مورد صدق گزینه های اول و دوم این تعریف بر کشتار هزاره ها هیچ تردیدی نمی توان روا داشت و گزینه های سوم و چهارم نیز قابل تفسیر می باشند. در ماده سوم همین کنوانسیون اعمال معرفی شده است که مرتکبین آن باید مجازات شوند. این اعمال عبارتند از: کشتار جمعی، تبانی به منظور ارتکاب نسل کشی، تحریک مستقیم و علنی برای ارتکاب نسل کشی، شروع به ارتکاب به نسل کشی و شرکت در جرم نسل کشی.

همچنین در منشور دادگاه نورنبرگ که به

برچی، ۱۸ ثور ۱۴۰۰ با ۸۵ جان باخته.

هزاره ها در معرض نسل کشی قرار دارند؟

با توجه به تداوم و تلفات وسیع این حملات، حال این مسأله مطرح شده است که هزاره ها در معرض نسل کشی و تصفیه قومی قرار دارند؟ سرور دانش معاون دوم ریاست جمهوری افغانستان با صدور بیانیهای در واکنش به حمله بر مکتب سیدالشهداء آن را مصداق نسل کشی خواند: «این عمل وحشیانه و ضد انسانی بدون شک از مصادیق بارز جنایت علیه بشریت است. زیرا به طور واضح هدف تروریست ها قومی خاص با باورهای خاص است و این فاجعه با هدف نسل کشی و از بین بردن یک کتله اجتماعی صورت گرفته است.»

همچنین کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، هزاره ها را در معرض پاکسازی قومی و جنایت جنگی دانسته از دولت افغانستان می خواهد که فوراً طرح حمایتی چند جانبه را روی دست گیرد: «حکومت افغانستان باید به تعهدات خود طبق میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی عمل کند و به کشتار هدفمندانه هزاره ها اذعان کند. دولت افغانستان باید فوراً طرح حمایتی ای را مبتنی بر حقوق بشر برای دشت برچی و مناطق غرب کابل تهیه و ابلاغ کند.»

امین احمدی استاد دانشگاه ابن سینا، در صفحه فیسبوک خود نگاشته است: «این سطح عمیق و گسترده از بی رحمی علیه جامعه هزاره به این

محمداقاسم عرفانی

عجیب نیست که از کودک هزاره بترسم منی که چون شب تاریک، از شراره بترسم رامین عرب نژاد

حوالی ساعت چهارونیم عصر روز بهاری ۱۸ ثور، زمانی که دانش آموزان دختر از مکتب سیدالشهدا در غرب کابل به قصد عزیمت به خانه های شان خارج می شدند، سه انفجار پیاپی به وقوع پیوست و در فاصله ای تنها چند دقیقه بیش از ۲۰۰ نوجوان هزاره شیعه به خاک و خون کشیده شدند. در طی سه روز بعد از حادثه تعداد جان باختگان بیش از ۸۵ نفر و مجروحان بیش از ۱۵۰ نفر گزارش شد. با تشدید جنگ در سال های اخیر حملات بر غیر نظامیان نیز افزایش یافته است، چنانکه در دهم همین ماه حمله موثر بمب بر اقامتگاه داوطلبان کاتکور در پل علم مرکز لوگر، جان بیش از ۲۰ دانش آموز را گرفت، اما سلسله حملات بر هزاره ها/ شیعیان و مشخصاً در غرب کابل، این نکته را روشن ساخته است که هزاره ها/ شیعیان به عنوان یک گروه قومی/ مذهبی هدف حملات تروریستی قرار دارند. نمازگزار، بازاری، زن، مرد، کودک، مادر باردار، دانشجو، دانش آموز و هر صنف و مجموعه ای این مردم هدف قرار گرفته و می گیرد. حملات مرگبار ذیل تنها در مدت ۵ سال در این منطقه و بر تجمعات غیر نظامی و غیر سیاسی صورت گرفته است:

۱. حمله بر جنبش روشنائی، ۲ اسد ۱۳۹۵ با ۸۰ جان باخته،
۲. حمله بر مسجد باقرالعلوم، ۱ قوس ۱۳۹۵ با ۳۲ جان باخته،
۳. حمله بر مسجد الزهرا، ۲۵ جوزاری ۱۳۹۶ با ۴ جان باخته،
۴. حمله بر مسجد امام زمان قلعه نجارها، ۳ سنبله ۱۳۹۶ با ۲۸ جان باخته،
۵. حمله بر مسجد امام زمان دشت برچی، ۲۸ میزان ۱۳۹۶ با ۵۶ جان باخته،
۶. حمله بر مرکز فرهنگی- اجتماعی تیبیان در دشت برچی، ۷ جدی ۱۳۹۶ با ۵۲ جان باخته،
۷. حمله بر زائران زیارتگاه کارته سخی در غرب کابل، ۱ حمل ۱۳۹۷ با ۳۱ جان باخته،
۸. حمله بر مرکز توزیع تذکره در دشت برچی، ۲ ثور ۱۳۹۷ با ۶۹ جان باخته،
۹. حمله بر آموزشگاه موعود در دشت برچی، ۲۴ اسد ۱۳۹۷ با ۴۸ جان باخته،
۱۰. حمله بر کلب ورزشی میوند در دشت برچی، ۱۴ سنبله ۱۳۹۷ با بیش از ۲۰ جان باخته،
۱۱. حمله بر مراسم نوروز در کارته سخی غرب کابل، ۱ حمل ۱۳۹۸، با ۶۰ جان باخته،
۱۲. حمله بر زایشگاه ۱۰۰ بستر دشت برچی، ۲۳ ثور ۱۳۹۹، با ۲۴ جان باخته،
۱۳. حمله بر آموزشگاه کوثر دانش در دشت برچی، ۳ عقرب ۱۳۹۹ با ۲۴ جان باخته،
۱۴. حمله بر مکتب سید الشهداء در دشت

خارجی

خانواده های جانباختگان پرواز ۷۵۲ علیه سه مقام عالی امنیتی و نظامی ایران شکایت کردند

قرار جلب صادر کرده است و «مراجعه وکلای خانواده ها برای مطالعه پرونده، اطلاع از نحوه کارشناسی و بازرسی ها و اظهارات متهمین و یافتن نام آنها نیز به جایی نرسیده است.»

اوکراین بارها ناخشنودی را از روند رسیدگی به پرونده متهمان این رخداد اعلام کرده و می گوید که خودداری مسئولان ایرانی از ارائه پاسخ ها و شواهد عینی این سوءظن را تقویت می کند که سرنگونی هواپیمای اوکراینی عمدی بوده است، اتهامی که ایران آن را رد کرده و تاکید دارد «خطای انسانی» باعث شلیک به این هواپیما بوده است. آقای اسماعیلیون در ادامه گزارش خود درباره تجمع روز یکشنبه خانواده های شاکی مقابل سازمان قضایی نیروهای مسلح از برخورد نیروهای امنیتی با آنها خبر داده است. وی نوشت که پس از تجمع، نیروهای نظامی و انتظامی و لباس شخصی شروع به عکس گرفتن از خانواده ها کردند و اعتراض مادران نیز با برخورد لباس شخصی ها مواجه شد.

تاکنون گزارش های متعددی از اقدام نیروهای امنیتی ایران برای ارباب خانواده های جانباختگان پرواز ۷۵۲ منتشر شده است. سازمان اطلاعات و امنیت کانادا نیز ماه گذشته در گزارش سالانه خود عنوان کرد که از آزار و ارباب خانواده ها و بستگان قربانیان شلیک سپاه پاسداران به هواپیمای اوکراینی در کانادا «گزارش های معتبری» در دست است.

اطلاعات روز: خانواده های جانباختگان پرواز ۷۵۲ هواپیمایی اوکراین روز یکشنبه ۲۶ ثور با تجمع در مقابل سازمان قضایی نیروهای مسلح خواستار اعلام جرم علیه سه مقام بلند پایه امنیتی و نظامی ایران شدند.

به گزارش رادیو فردا، حامد اسماعیلیون، سخن گوی انجمن خانواده قربانیان پرواز پی اس ۷۵۲، در شبکه های اجتماعی نوشت که این خانواده ها پیرو شکایت قبلی خود علیه امیر علی حاجی زاده فرمانده هوا فضای سپاه، این بار شکایتی علیه علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی، حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران و محمدحسین باقری رییس ستاد کل نیروهای مسلح در دادسرا ثبت کردند.

آقای اسماعیلیون که همسر و دختر خردسال خود را در حادثه سرنگونی هواپیمای اوکراینی با شلیک پدافند سپاه پاسداران از دست داده است، عنوان کرد که این خانواده ها همچنین اعتراض خود را نسبت به روند دادرسی و نحوه ابلاغ قرار نهایی دادسرا اعلام کردند.

حدود دو هفته قبل از این تجمع انجمن خانواده های جانباختگان پرواز اوکراین اعلام کرده بود که دادرسی نظامی با ارسال ابلاغیه ای به خانواده های شاکی خبر داده که برای افراد رده بالای حکومت در این پرونده قرار منع تعقیب صادر کرده است.

به گفته این انجمن، دادرسی نظامی تنها «برای ده نفر بی نام و نشان»



پروگرام غذایی جهان دفتر مرکزی کابل

داوطلبی برای فروش لوازم دفتری و وسایط نقلیه

دفتر پروگرام غذایی جهان ملل متحد (WFP) در کابل در نظر دارد تا یک تعداد لوازم مستعمل دفتری از قبیل میز، چوکی، آلماری چوبی، ایرکندیشن ها، ماشین های فوتوکاپی با چند عراده لاری باربری و لندکروزهای (غیر زرهی) مدل های سال های اخیر را از طریق داوطلبی آزاد به فروش بگذارد. علاقمندان که خواهش دیدن و اشتراک در داوطلبی آن را داشته باشند می توانند روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و یکشنبه (۲۹، ۳۰ ثور و ۲ جوزا بین ساعات ۹ الی ۳ بعد از ظهر از گدام های WFP واقع قصبه جوار ریاست خانه سازی، عقب میدان هوایی بین المللی حامد کرزی دیدن نموده و اوراق اشتراک در داوطلبی آن را در جریان هفته الی روز پنجشنبه مورخ ۶ جوزا سال جاری مصادف با ۲۷ می ۲۰۲۱ در صندوق اوراق داوطلبی در همان موقعیت تسلیم نمایند.

شرطنامه مفصل را از محل اجناس بدست آورده می توانید، تضمین فقط در مقابل وسایط اخذ می گردد.

شماره تماس فقط در صورت ضرورت: عبدالجمیل خاموش ۰۷۰۶۰۰۴۹۱۹ ایمیل: Abdul.Jamil@wfp.org